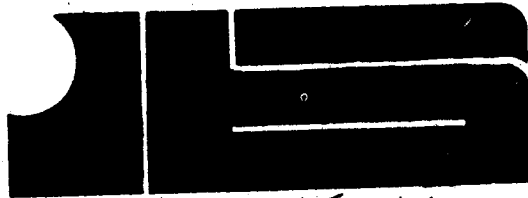


کارگران و زحمتکشان
متحد شوید



نابود باد امپریالیسم جهانی
بسرکردگی امپریالیسم امریکا
و پایگاه داخلیش

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۲۰ صفحه ۳۰ ریال

چهارشنبه سوم تیر ۱۳۶۰

سال سوم شماره ۱۱۵

حول شعار "مرگ بر حزب جمهوری اسلامی، زنده باد شوراهای انقلابی، پیش بسوی تشکیل مجلس مؤسسان" متحد شویم!

صفحه ۲

اعدام جنایتکارانه فدائی خلق

سعید سلطانپور
بدست دژخیمان
رژیم جمهوری اسلامی



پاسداران سرمایه‌براهیمائی کارگران قهرمان
شهر صنعتی البرز، را بخون کشیدند

پاسداران سرمایه و نیروهای سرکوبگر
رژیم جمهوری اسلامی در روز ۲۷ خرداد ماه
را عظیمائی کارگران قهرمان شهر صنعتی
البرز را بخون کشیدند و با ردیگر چهره ضد
خلق خود را نشان دادند. در این کشتار
وحشیانه بیش از ۱۰۰ کارگر شهید و بیش
از ۵۰۰ نفر زخمی شدند و با پاسداران ۵۰۰ تن
را نیز دستگیر کردند.

بقیه در صفحه ۱۸

خبر کوتاه بود،
اعدامشان
کردند
صفحه ۱۷

تعمیرات سال ۸۰

از میان رفقایمان
تنها رفیقی که دوران قبل از مرگش
لقب کبیر گرفت او بود
صفحه ۱۵

در این شماره

● جنبش جهانی

● جنبش کارگری

● رهنمود به سوا داران

اطلاعیه امور مالی
سازمان
به تمام هواداران و
نیروهای انقلابی

مرگ بر حزب جمهوری اسلامی، زنده باد شوراهای انقلابی، پیش بسوی تشکیل
مجلس مؤسسان

حول شعار "مرگ بر حزب جمهوری اسلامی، زنده باد شوراهای انقلابی، پیش بسوی تشکیل مجلس مؤسسان" متحد شویم!

"ما هرگز این حقیقت را کتمان نکرده ایم که بر بنیادی انقلابی" و نه "قانونی" قرار گرفته ایم. اینک حکومت به سهم خود نیرنگ بنیاد قانونی را به کناری نهاده است. حکومت خود را بر بنیادی انقلابی قرار داده است، چرا که بنیاد نهاد انقلابی هم انقلابی است. (مارکس) رژیم جمهوری اسلامی اکنون تمام نیرنگهای بنیاد قانونی را به کنار نهاده است، حکومت چماق و سرکوب را در غیاب آنها و حتی کارخانه ها بنما پیش گذاشته است. گستاخانه توده های انقلابی را بر کجا ر مسلسل می بندد. طی چند روز گذشته مدها تن را با خاک و خون کشیده است. کارر سواشی رژیم به آنجا رسیده که بی محابا کارگران معترض را در شهرک صنعتی البرز بگلوله می بندد و با سداران حامی سرمایه تظاهرات انقلابی را در غیاب آنها بخون می کشند.

حکومت کشتار ره شکنجه، ترور، اعدام - های دسته جمعی و زندان را همیشه خود ساخته. هرگونه آزادی را از توده ها سلب کرده است و شنش زبان زور و سرکوب را برگزیده است. حکومت نیرنگ بنیاد قانونی را بکناری نهاده است "چهارمزه" ضد انقلابی خود را عربان تر نموده است و با قهر ضد انقلابی رودروی خلق قرار گرفته است.

اکنون با کنار رفتن پرده ها، توهم توده ها نیز بکنار می رود و هر دم جبهه های تازه در مبارزه علیه رژیم فریب و دروغ، رژیم پر بار کاری و سالیسی، رژیم تحمیق و سرکوب گشوده میشود و توده ها پیش از پیش بمرصه مبارزه آشکارا رژیم روی می آورند. چشماندازهای که انتظارش در غیبتش انقلابی توده ها میرفت، اکنون نمودار میگردد. این خیزش نوین و این اجیاء مجدد جنبش توده ای، این اوچگیری نا رضایتی و اعتراضی توده ای، نه بر اساس خواستها و تمایلات ذهنی این یا آن گروه بلکه از شرایط عینی پدید می آید که بر کل حیات جامعه و زندگی توده ها حکم فرماست.

بحران سراسر اقتصاد را فرا گرفته است. آنبوه کارگران، دهقانان و تهیستان بیگانه ز چهره شهرها و روستاها غمزه و امسرد نموده است. فشار بحران اقتصادی موجود هر روز زندگی فلاکت بارتری را به توده ها تحمیل میکند. فقرا اکنون بصورت پدیده ای عمومی در آمده است. قیمت ها با سرعتی سرسام آور افزایش می یابند. چیره بندی کالاهای مورد نیاز زحمتکشان و صف های طویل برای خرید این کالاهای فشار با زهم بیشتری را بتوده ها تحمیل

میکند. میلیونها آواره جنگی نیز بیخیل دریدران و بیکاران افزوده شده است. یکجنین شرایطی تضادهای طبقاتی را تشدید کرده است. تضاد میان کارگر و سرمایه دار، دهقانان و زمینداران - بزرگ، خرده فروشنده و تاجر با زار هر دم تشدید میشود و در کسبیت خود تضاد میان فقر و ثروت هر روز با عدا اجتماعی نویسی می یابد. تمام تلاش محافل ضد انقلابی حاکم در جهت مهار زدن برای بحران و خامت باری که با به های متزلزل رژیم را لرزان تر کرده است، تاکنون بی ثمر مانده است. اوضاع سیاسی موجود نیز بیان چیزی جز با زتاب بحران سیاسی و ابعاد این بحران نیست.

تضاد جناحهای هیئت حاکمه که بر بستر این بحران و خیم مدام از شدت و حدت تازه ای برخوردار شده است، اکنون بصورت یک شکاف عمیق بروز کرده است. این امر نه تنها با زتاب بحران اقتصادی موجود، نا رضایتی توده ها و عدم ارضاء ابتدائی ترین نیازهای آنهاست بلکه از خود ویژگی خاصه ما پس از قیام که همانا کشاکش انقلاب و ضد انقلاب بوده - است ناشی میگردد. این خود ویژگی شرایطی را پدید آورده است که در هر انقلاب نیمه کاره، و انقلاب تکمیل نشده، هنگامی که یکی از دو نیروی انقلاب و ضد انقلاب سلطه قطعی نیافته است، بروز میکند.

از دست آورده های انقلابی خود دفاع میکنند و ضد انقلاب نیز مدام در پی آن بوده و هست که با فریب و سرکوب این دست آورده ها را با زور بس گیرد. در چنین شرایطی که یک دوران - انقلابی از حیات اجتماعی جامعه را در بر میگیرد و جامعه عرصه کشمکش این دو نیرو است، بحران سیاسی بروز میکند. در چنین شرایطی امکان تحولات سریع و تغییرات عظیم اجتناب ناپذیر است. تاریخ با گامهای غول آسا به پیش می رود. دورانی که ما اکنون در آن بسر می بریم سرشار از چنین رخدادها، تحولات و چرخشهای بسیار سریع بوده است. این تحولات ناشی از بیداری توده ها، کشیده شدن آنها به عرصه مبارزات آشکار و روحیه انقلابی در توده ها است. مقاومت و پایداری توده ها علیرغم تمام توهم و اعتقاد دشمن به حاکمیت طی دو سال گذشته گویای راستین این واقعیت است، که روحیه انقلابی - همچنان بر توده ها حاکم است و از دست آورده های انقلابی خود دفاع میکنند. این خود عا ملی است که به بحران موجود دامن زده، بر تشدید تضادهای درونی هیئت حاکمه تا شهری قطعی برجای گذاشته

و بحران حکومتی را مدام شدت بخشیده - است. اکنون پس از گذشت بیش از دو سال از قیام بهمن ماه، دوران نخستین تجربه توده ها در برخورد با ضد انقلاب "شناخته" سپری میشود. توده ها پس از اعتمادی چون و چرا، خود به حاکمیت عملاً "چهارمزه" واقعی ضد انقلاب حاکم زار می یابند و در پس هر شعار آن، وعده و وعیدهای فریبنده گذشته را می بینند.

اکنون نا رضایتی توده های مردم، - نا رضایتی ای که ریشه در فقر و فلاکت آنها دارد و آوج میگردد، این یک واقعیت است. گسترش اعتراضات، اجتماعات، در - کنیهای پراکنده، برخوردها و تظاهرات غیابانی یک واقعیت است. پاره پاره شدن جناحهای هیئت حاکمه و رودروشی آنها با یکدیگر نیز یک واقعیت است. خلاصه کلام، جنبش مدام روبه اعتلاست. اجیاء نوین اشکال مبارزه آشکار و انقلابی توده ها هم اکنون بعینه آشکار میگردد. شکاف درونی هیئت حاکمه با زهم تشدید میشود و هم اکنون اکثریت توده ها اعتقاد خود را به حقانیت این رژیم از دست داده اند.

اکنون شرایط نوین، شعارهای نوین تا کنیکهای نوین و وظائف نوین را می طلبد. شرایطی فراهم شده است که ما میتوانیم و باید بطرح شعارهایی به برداریم که مستقیماً حاکمیت را زیر سوال برد. ما این شعارها باید بگونه ای انتخاب کرد که منطبق با مرحله کنونی جنبش توده ها، موقعیت هیئت حاکمه، ذهنیت توده ها و صف بندی و توازن نیروهای طبقاتی باشد. بنا بر این هنوز نمیتوان مستقیماً "از توده ها سرنگونی قهرآ میز حاکمیت را طلب کرد. بلکه باید از ضعیف ترین و آسیب پذیرترین حلقه آن آغاز نمود. این ضعیف ترین حلقه، بدین معنا که توده ها خود در تجربه روزمره شان آنرا لمس کرده اند و مورد نفرت بخشی عظیمی از توده های مردم است، حزب جمهوری - اسلامی است. این حزب مانع رشد مبارزه طبقاتی شده، و مدام رودروی توده ها ایستاده است. این حلقه مناسب ترین هدف ما در لحظه کنونیست. کسی که در لحظه کنونی این مناسب ترین حلقه را در سلسله زنجیره سرنگونی حاکمیت در دست داشته باشد، حلقه های دیگر را نیز در اختیار خواهد گرفت. بنا بر این شعار ما در لحظه کنونی "مرگ بر حزب جمهوری

حول شعار «مرگ بر حزب جمهوری»

اسلامی است. طرح این شعار در شرایط کنونی نه شماری زودرس و نه دارای - خصوصیتی رفرمیستی است. از یکسو تنها و تنها اکنون زمان طرح این شعار از هر سو فراهم است، زیرا این شعار اینک، شعار خودتوده‌هاست. از سوی دیگر طرح این شعار از جهات مختلف در شرایط کنونی نمیتوان شماری - رفرمیستی ارزیابی کرد. زیرا اولاً: - طرح این شعار بمعنای نفی، نفی کل حاکمیت نیست. امروز بر هر کس روشن است که حزب جمهوری اسلامی تنها میسر ابزارهای قدرت را در هیئت حاکمه به دست گرفته است. حزب قوای مقننه، اجرائیه و قضایی را در اختیار دارد. - حزب تمام پست‌های حساس را در دست خود گرفته است. حزب تمام ارگانهای مرکب را در اختیار دارد.

بنابراین با توجه به مجموع شرایط حاکم برجسته اکنون با شعار «مرگ بر حزب جمهوری اسلامی» را مطرح کرد، تا کل حاکمیت را مورد سؤال قرار داد. - تاخیراً طرح این شعار صرفاً کافسی نیست.

امروز همه نیروهای اپوزیسیون اعم از نیروهای انقلابی و لیبرالهای ضد انقلابی شعار مرگ بر حزب جمهوری اسلامی را می‌دهند. پس همزمان با شعار «مرگ خود رسیده است که لیبرالهای رنگارنگ هر یک بنحوی فرم در رژیم موجود را طرح کرده اند. گروهی مسئله رفتن دولت را مطرح کرده اند و اخیراً «تیزبندی» شعار رفراندم را طرح نمود. اما این شعارهای رفرمیستی هدفی جز بهره‌آرایی تغییرات درباراً دنبال نمی‌کند. رژیم جمهوری اسلامی و نظام موجود را مورد سؤال قرار نمی‌دهد. رفراندم یعنی مدر چیزی در حد بهره‌آرایی تغییرات درباراً و حد اکثر برخی تغییرات در مواد قانون اساسی نیست. لیبرالها که از جنبش توده‌ای و خواسته‌های انقلابی توده‌ها وحشت دارند، می‌گویند که این خواسته‌ها را در همین حد محدود نکنند. اما ما با طرح شعار مجلس مؤسسان در لحظه کنونی، - تاکتیکیهای آنها را نیز نفی نمی‌کنیم.

ما پیش از این گفتیم و امروز بر هر کسی که چشمی برای دیدن داشته باشد، روشن است که انبوهی از توده‌ها اعتقاد و اعتماد خود را نسبت به حکومت از دست داده اند. اکنون بی اعتباری دولت نزد توده‌ها یک واقعیت مسلم است. مجلس شورای اسلامی نیز که تاکنون یک گام عملی در جهت تصویب قوانینی که با زنا با اراده توده‌ها باشد برداشته بود، صرفاً «در - بحث‌های کمیگ خود ما به تفریح توده‌ها شده بود، اکنون با شرکت در محاکمه بنی صدر و عزل او با زهم بر بی اعتباری بیش افزوده می‌شود و همچنین است دستگاه قضایی که در راس آن شپادی بنام مبهشتی قرار گرفته است.

ما همچنین گفتیم که تفادهای درونی هیئت حاکمه ایجاد می‌سازد، سابقه‌ای یافته

است و نیز آگاهی که نیروهای انقلابی هنوز در پراکندگی و ضعف و فقدان پایه توده‌ای نیرومند نسبی می‌برند. ما همچنین آگاهیم که هنوز بخشهایی از توده‌های مردم که فاقد آگاهی و تشکل لازم هستند به لیبرالها بویژه بنی صدر چشم دوخته اند و خلاصه علیرغم اینکه بنحوی یعنی از طریق طرح شعار «مرگ بر...» طرح شعار سرنگونی حاکمیت در دستور قرار گرفته است بنا به دلایل مذکور و سطح مبارزات توده‌ها هنوز شرایط لازم برای طرح شعار سرنگونی قهرماً میسر و برقراری یک حکومت انقلابی فراهم نیا آمده است. پس با توجه به مجموع شرایط کدام تاکتیک را باید برگزید: با اعتقاد ما طرح شعار مجلس مؤسسان مناسبترین شکل لحظه کنونیست زیرا با طرح این شعار عملاً موجودیت رژیم را زیر علامت سؤال می‌بریم. در حالیکه هنوز با توجه به مرحله تکامل جنبش توده‌ای شعار سرنگونی قهرماً میسر آنرا طرح نکرده ایم. ما با اتخاذ این تاکتیک همچنین قادر خواهیم بود، عملاً لیبرالها را خلع سلاح کنیم، زیرا این بدان معناست که اکنون میتوان - در مقابل هرگونه شعاری که خواستار ایجاد فرم در نظام موجود باشد، قرار گرفت و همزمان با آن مشخص نمائیم که کدام ارگان‌های توده‌ای می‌توانند و باید مجلس مؤسسان واقعاً «دمکراتیک و انقلابی» را که در بزرگترین توده‌ها پدیدگان تمام می‌خلق باشد، تصمصیم کنند. ما با طرح تاکتیکیهای رفرمیستی لیبرالها را خنثی کنیم و تاکتیکی که در لحظه کنونی جنبش انقلابیست پیش کشیم و بر روی آن تبلیغ کنیم. شرایط امروز بنی مرحله از تکامل خود رسیده است که لیبرالهای رنگارنگ هر یک بنحوی فرم در رژیم موجود را طرح کرده اند. گروهی مسئله رفتن دولت را مطرح کرده اند و اخیراً «تیزبندی» شعار رفراندم را طرح نمود. اما این شعارهای رفرمیستی هدفی جز بهره‌آرایی تغییرات درباراً دنبال نمی‌کند. رژیم جمهوری اسلامی و نظام موجود را مورد سؤال قرار نمی‌دهد. رفراندم یعنی مدر چیزی در حد بهره‌آرایی تغییرات درباراً و حد اکثر برخی تغییرات در مواد قانون اساسی نیست. لیبرالها که از جنبش توده‌ای و خواسته‌های انقلابی توده‌ها وحشت دارند، می‌گویند که این خواسته‌ها را در همین حد محدود نکنند. اما ما با طرح شعار مجلس مؤسسان در لحظه کنونی، - تاکتیکیهای آنها را نیز نفی نمی‌کنیم.

بنابراین با توجه به شرایط واقعی جنبش انقلابی توده‌ها و با توجه با اینکه توده‌ها از طریق یک سلسله تجربیات به برقراری نظامی انقلابی می‌رسند، اکنون باید شعار مجلس مؤسسان دمکراتیک و انقلابی را مطرح کرد، اما باید در نظر داشت که مجلس مؤسسان نه بعنوان هدفی مستقل بلکه تاکتیکی انقلابی در لحظه کنونیست. تبلیغ این شعار بدان معنا

نیست که ما به مؤسسان بورژوازی دلخوش کنیم. ما بخوبی آگاهیم که مجلس مؤسسان از لحاظ تاریخی پدیده‌ای بورژوازیست و عمرها را فلما نتا ریسم، عمرها ده‌های بورژوازی بسر آمده است. پس این اقدام از لحاظ تاریخی کهنه شده و متعلق به گذشته است. اما این بدان معنا نیست که بطور مشخص نیز کاربرد خود را از دست داده است. ما با توجه به سطح جنبش توده‌ای و تجربیات توده‌ها که با بدازیک سلسله تجربیات تا زه نیز میگذرد، این شعار را بطور مشخص در شرایط کنونی طرح می‌کنیم. اما باید در نظر داشت چنانچه ما خود را محدود به این شعار نکنیم، در مرحله معینی و در سطح معینی از تکامل جنبش بورژوازی نیز مجلس مؤسسان را - می‌پذیرد و آنرا مکمل ابزارهای مرکب خود می‌کند. از اینجاست ضرورت طرح شعار شوراهای انقلابی و همزمان با آن تسلیح توده‌ای و تشکل میلیس توده‌ای، بدون طرح شعار شوراهای انقلابی مجلس مؤسسان هیچ معنایی نخواهد داشت. لازم برقراری این مجلس شوراهای انقلابی توده‌ای و سازماندهی تسلیح توده‌ایست و الا مجلس مؤسسان نه در خدمت انقلاب بلکه بعنوان مکمل ابزار مرکب بورژوازی (ارتش و بوروکراسی) عمل خواهد کرد. همچنین باید در نظر داشت که مادریک دوران انقلابی و در شرایطی بس می‌بریم که هرآن روز تحولات سریع ممکن است شرایطی را پیش آورد که بدون گذار از مجلس مؤسسان، به حکومت انقلابی توده‌ها بیجا مد، از همین روست که ما باید با توجه به چشم انداز واقع و خود - ویژگی شرایط کنونی در تدارک مقدمات اشکال گام انقلابی و بسیار عالی جنبش توده‌ای باشیم و در اساس خود را برای پاسخگویی به چنین شرایطی آماده کنیم. پس می‌بینیم که اگر در شرایط کنونی به خاطر سطح نازل آگاهی انقلابی و تشکل توده‌ها، توازن نیروهای طبقاتی، سطح واقعی جنبش توده‌ای، ذهنیت توده‌ها، نقش محدودشورها، نقش لیبرالها و به ویژه بنی صدر، میزان توهم توده‌ها به حاکمیت، بطرح این شعار می‌پردازیم، این شعارها به بدینمنزله پلی برای تشکل توده‌ها و برقراری نظام انقلابی باشد. بدون توجه به شعار شوراهای انقلابی و تسلیح توده‌ای، این شعار رفرمیستی پیش نخواهد بود. شعار مجلس مؤسسان هنگامی تاکتیکی انقلابی است که همراه با گسترش شوراهای انقلابی و گام‌های دمکراتیک و توده‌ای باشد، و آن مجلسی دمکراتیک و حقیقتاً "انقلابی" خواهد بود که متکی به شوراهای توده‌ای باشد. با یک چنین درکی است که ما از نیروهای انقلابی دعوت می‌کنیم حول این شعار متحد شوند و بمنظور ارائه راه‌حلهای عملی توده‌ای، یک پلان فرم اتحاد عمل که بیباکتر خواسته‌های توده‌ها و مرحله انقلاب ما باشد را شده دهند، ما نیز بسهم خود در این راه خواهیم کوشید.

به همت توده‌ها آزادی مطبوعات تامین باید گردد؛ سیاست اختناق نابود باید گردد

قطع دست بخاطر ریگ

گیسه برنج و نصیحت و تادیب برای جهانگردان و استثماریگران

در اوایل خرداد بدستور حجت الاسلام- ایما نی حاکم شرع بهشهر دست راست هریز صیدا تلورا بطرف جیبی قطع کردند. جانان جا موراجرای حکم "حشری بدون اینکبه عزیز را ببهوش کنند و حتی دست او را بی هم کنند و با رجا را نکشت او را می برند. یکبار ربا سا طورا نکشتا نش را روی میسز همزیند و وقتی عزیز روی زمین مبادست مجددا روی موزاشیک انگشتا نش را قطع می کنند. مردم بهشهر پس از اطلاع از این جنایت هولناک یکبار رجه در شهر اهیمانی کرده و علیه حاکم شرع و جنایتگران دیگر تظاهرات میکنند.

ما در برخورد به لایحه قصابان هندا رد ادیم که نتیجه اجرای قانون قصابان زنده کردن - دوران بربریت و توحش قبیلله ایست! ما اعلام کردیم که نتیجه تصویب این لایحه صورت قانونی دادن به اعمال جنایت - آزاری است که تاکنون بصورت های نمونه - ای در کرمان و شهرهای دیگر انجام گردیده و با قانونی شدن لایحه قصابان روزی هادست بریده میشود، روزی هادها نفرستگسار میشود و روزی هادها نفر در ملا عام اعدا شده با به تازیانه بسته خواهد شد. و باز هندا رد ادیم که این قانون بهانه ای خواهد بود برای آنکه حاکمان جمهوری اسلامی مخالفین خود را به بهانه اجرای "حشری" تا بسود سازند، اینک نمونه بهشهر شا هدمتالی است بر آنچه ما پیش بینی کردیم. مطالعه معا حبه ای که خبرنگار رکبهان در ۱۹ خرداد با عزیز صیدا تلورا هم چنین حاکم شرع بهشهر بعمل آورده است بسیاری از حقایق را در اینبار ره روشن می کند

سردشت

روزها نزد هم خردا ددو فرزند میک عراقی در ساعت ۲/۵ بعد از ظهر روستا های تهر بیت و مردان و بیژوی در منطقه آن را بهراکت و کالبر هفتا دو پنج بستند که در این بمبارانها در روستای تی بست یک نفر کشته و یک نفر زخمی شد در روستای مردان نیز یک تن زخمی شد. حملات رژیم عراق به روستا های کردستان ایران، با همت سرکوبگران و ضد انقلابی رژیم باعث و آشکارا ترشمنی شما شد.

(نقل از سومین شماره خبرنامه یگان)

معا حبه دارای آنچنان ننگاتی است که هر کدام میتوانند مضمون مقاله ای جداگانه در تاشید ما هیت ضد مردمی رژیم باشد. ولی ما تنها بدو ننگه آن بر خورد می کنیم تا واقعیت سردمداران رژیم جمهوری سلامی بیش از پیش بر هموطنان مبارز ما روشن شود.

از معا حبه بر می آید که سه جوان عیال - وار در اشرایستیمال و فقر شدید برای اولین بار می آید به سرقت یک گیسو برنج ۹۰ - قوطی روغن نباتی و یک گیسو پسته و در رختشویی میکنند که شایسته قیمت مجموع آن به هزار تومان نرسد. پس از دستگیری آنان همه اموال را تا دینار آخر تحویل دادند و اظهار ندامت میکنند. مدت دو ماه و پنج روز هم در زندان می ماندند و پس از آن توسط با زهرین ها دستگیری با قرار آزاد می شوند. ۲۵ روز بعد از آزادی آنها در گلو - گاه بهین پاسداران و مردم درگیری به وجود می آید و سه روز پس از آن عزیز صیدانلو در رابطه با این درگیری توسط پاسداران بازداشت میشود. دادگاه انقلاب کوه اصولا ما مور رسیدگی به پرونده سرقت برنج تبوده است سه روز بعد عزیز را با تمام سرقت به قطع چهار انگشت دست راست محکوم میکنند در حالی که دو نفر دیگر که هم جرم او بودند حتی بدادگاه انقلاب افسار هم نمی شوند. با این ترتیب کالملا روشن است که مسئله سرقت یک گیسو برنج چند قوطی روغن نباتی تنها بهانه ای بوده و حاکم شرع بخاطر گرفتن زهر چشم از هر آنکس که با جمهوری سلامی مخالفت کند عزیز را محکوم به قطع انگشتان دست نموده و حکم را به طرف جیبی در باره او اجرا میکند.

با دعای خودش بخاطر یک گیسو برنج چند قوطی روغن نباتی انگشتان دست یک

جوان زابا قسوت و سنگدلی قطع میکنند و او را برای همیشه از جامعه طرد و زندگیش را از او زن و بچه اش سلب می کنند. عمل جها نخواه آن امیر با لیس و استثماریگران زالوصفت را که میلیاردها تومان دسترنج مردم زحمتکش ما را غارت میکنند، دزدی - نمیدانند. این حاکم شرع در مقابل شوال خبرنگار که می پرسد: "با دزدان بزرگسای ما نندا امریکا چه با بد کرد... آیا اینها سارق به حساب نمی آیند، دستشان نباید قطع شود؟" میگوید: "نمیگویند اینها سارق به حساب نمی آیند" و بطور ضمنی میگوید اگر آنها کار خلافی کرده باشند و ما دستمان به آنها برسد آنها را تادیب می کنیم.

با این ترتیب می بینیم همین حاکم شرع که دزدان بزرگسای امیر با لیس و استثماریگران را تطهیر کرده و آنها را سارق نمیداند، بلکه در دفاع از سرمایه داران و مالکین سینه چاک میدهد و قشکیه میگوید: "قطع بدی کنفر جلوه هزاران سرقت را میگیرد... یعنی دزدیها از بین می رود و امنیت از نظر مالی برقرار میشود" و گفتنی است که مضمون این سخنان را آیت الله بهشتی در دفاع از لایحه قصابان و در دفاع از تقدیس مالکیت تکرار میکند!

این اعمال و این سخنان نما با نگرانت است که سردمداران جمهوری سلامی برای امنیت سرما به کسانی را که حتی برای مزارع معاش و برای جلوگیری از مرگ ناشی از گرسنگی یک گیسو برنج سرقت میکنند مستحق مجازات دانسته و دستشان را قطع کرده و از زندگی با قاطع میکنند. اینست بهشتی که آیت الله خمینی و دیگر سران جمهوری سلامی به مردم ایران وعده داده اند و اینست آن "عدالت اسلامی" که آنها میخواهند در گورستان "امنیت مالی و سرمایه" برقرار کنند!

یاد شهدای تیرماه

بقیه از صفحه ۲۰

- * محمد علی خسروی اردبیلی
- * نزهت السادات روحی آهنگران
- * محمد عظیمی بلوریان
- * کاظم سلاخی * مارتیک قازاریان
- * یدالله زارع کاربزی * سیمین توکلی
- * نادره احمد هاشمی * مریم شاهی
- * بهزاد امیری دوان * حمید اشرف
- * افسر السادات حسینی * حمید آراین
- * حمید ژبان کرمانی * نادعلی پورنغمه
- * پرویز حقگو غلامرضا جلالی
- * اسماعیل نریمسا

- * محمد مهدی فوقانی
- * عسگر حسینی ابرده
- * فاطمه حسینی
- * طاهره خرم
- ساواک در آمدند و پس از نبرد قهرمانانه در محله مهرآباد جنوبی، به شهادت رسیدند. تیرماه، علاوه بر این شهدا، نامویاد فدائیان دیگری را نیز برپیشانی دارد که در سالهای مختلف در این سال به شهادت رسیده اند. رفقا.
- * احمد خرم آبادی * نسترن آل آقا
- * کاظم غبرائی * گلرخ مهدوی

سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند

مبارزه پیروزمند کارگران کارخانه سرامیک البرز

بدنبال عدم اجراء قول مدیر عامل در مورد افزایش دستمزد کارگران به میزان ۴۰ تومان، کارگران در یک مجمع عمومی خواستار حضور هیئت مدیره و رسیدگی به خواسته‌هایشان شدند. کارگران خواسته‌های خود را در صورت عدم پرداخت ۴۰ تومان اضافه دستمزد در ماه تنظیم و به شرح زیر در مجمع عمومی مطرح کردند:

- ۱- دادن اضافه کار مقطوع و ثابت و زیاده کردن حق مسکن در حد کارخانه‌های دیگر شهر صنعتی البرز
- ۲- افزایش وام کارگران
- ۳- ۱۵٪ زوجه‌های جنبش و تولید در اختیار کارگران قرار گیرد.
- ۴- حقوق کارگران کارخانه برابر حقوق کارگران کارخانه‌های مشابه، مثل کاشی سدی، کاشی اصفهان، کاشی نیلو، کاشی پارس و... گردد.
- ۵- حقوق کارگران جدید جهت آزمایش افزایش یابد.
- ۶- هزینه معاش و زندگی کارگران تامین شود.
- ۷- مسئولیت هیئت مدیره مشخص شود و فقط امضاء کننده نیابد.
- ۸- یک نفر از کارگران به عنوان عضو هیئت مدیره انتخاب و در جلسات هیئت مدیره شرکت کند.
- ۹- در صورت مخالفت با خواسته‌های خود هیئت مدیره استعفاء دهد تا کارخانه با نظام شورائی اداره گردد.
- هیئت مدیره ابتدا خواست با وعده و

جنبش کارگری



و عید کارگران را بفریبند، سپس گفت ما اجازه موافقت با این خواسته‌ها را نداریم کارگران، هیئت مدیره را کجورگان گرفته و شب در کارخانه نگه‌داشته‌اند. رژیم جمهوری اسلامی پاسداران را به حمایت از هیئت مدیره به کارخانه فرستاد. در مقابل سبب اعتراضات کارگران، پاسداران مجبور شدند کارخانه را ترک کنند. بعد از ظهر روز بعد جلسه‌ای با حضور هیئت مدیره، رئیس سباه پاسداران تشکیل شد. در این جلسه با ۴ خواست اول کارگران موافقت شد. در رابطه با شرکت نماینده کارگران - در جلسات هیئت مدیره قرار شد در جلسه مجمع عمومی هیئت مدیره مطرح گردد. بقیه خواسته‌ها موقوف به تعیین تکلیف انظار است. مبارزه پیگیرانه کارگران سرامیک نشان داد که توسل به فریب و سرکوب قادر نیست کارگران را از مبارزه بازدارد. اما در مورد شرکت نماینده کارگران در هیئت مدیره، کارگران سرامیک با سبب توجه داشته‌اند، همچنان که قبلاً نیز توضیح دادیم نماینده کارگران نه به عنوان عضو هیئت مدیره، بلکه بعنوان نماینده کارگران، بر کار مدیریت کنترل و نظارت باید داشته باشد.

اعتصاب کارگران ارج، جلوه‌ای از مبارزه جوی و همبستگی کارگران

گردانند. روز دوشنبه (۲۵) مدیریت است دوباره در اطلاعیه دیگری خواهان بازپرداخت ۳۶۰۰ تومان گشت. اعتصاب تمام کارخانه را فرا گرفت. کارگران مدیر را بگورگان گرفتند. پاسداران به کارخانه هجوم آوردند. آنها با حمله بطرف کارگران تلاش می‌کردند مدیر را از جنگ کارگران در آورند اما تا کام شدند تا اعتصاب روز سه شنبه ادامه یافت و کارگران در یک مجمع عمومی با افشای نمایندگان سازشکاران شورائی آنها را وادار به استعفا نمودند. اعتصاب تا ظهر چهارشنبه ادامه یافت کارگران تصمیم گرفتند که از روز سه شنبه جلوه‌های خروج تولید را بگیرند و نمایندگان خود را انتخاب کنند کارگران مبارزان در همین مبارزه جهت تامین خواسته‌های خود هر چه بیشتر

کارگران ارج که در پی مبارزات طولانی موفق شده بودند سود ویژه و عیدی و پاداش سال ۵۹ را بگیرند جدیداً "مدیر عامل طی بخشنامه‌ای خواستار است که اضافه پرداخت پاداش و عیدی سال ۵۹ را از دستمزد ماهانه کارگران کم کنند. کارگران پس از دوباره اعتصاب مضمحلند جلوه‌های خروج تولید را بگیرند. روز چهارشنبه در پی اطلاعیه مدیریت و حمایت شورائی سازشکاران اعتراض با لا گرفت. کارگران قسمت موتا ژو پرسی دست به اعتصاب زدند و در پی آن اعتصاب تمام کارخانه را فرا گرفت. در مجمع عمومی که با شرکت کارگران تشکیل شد مدیریت و اعضای سازشکاران را فریب کارگران را به سرکار رساند

اجتماع کارگران پی ساخت در مقابل مجلس برای دریافت حقوق عقب مانده خود

حدود ۱۵۰ تن از کارگران شرکت "پی" ساخت در مقابل مجلس اجتماع کرده و خواستار حقوق عقب مانده خویش بودند. در پی جنگ ارتجاعی و تا عادلانه‌ای دولت‌های فذخلقی ایران و عراق شرکت ساختار پی ساخت در خرمشهر، همپسوان ما بر مراکز صنعتی و تعطیل شد و اشتغال مناطق جنگ زده، تعطیل شد و پیش از چهارصد تن از کارگران آن علاوه بر خانه خرابی و در برهه‌ری، بیگانه رنیز شد. کارگران به منظور روشن شدن وضع مسود و همچنین دریافت حقوق دست به اقدام زده، در وهله اول نمایندگان سازمان خود انتخاب کردند و بدنبال آن نمایندگان در جهت پیگیری خواسته‌های کارگران به تمام ادارات و مسئولان ذیربط مراجعه کردند اما نتوانستند بعد از ماهها دوندگی یکماه از حقوق عقب افتاده کارگران را بگیرند. کارگران که به توجیه به گران‌ترین بخش از دو کم‌تر شکر ما بختا چزندگی، در مضیقه قرار گرفتند بودند به طور دسته جمعی اقدام کرده و برای گرفتن حقوق خود تصمیم تکلیف اساسی از روز بیست و چهارم خرداد به تهران آمده در مقابل مجلس اجتماع کردند. یکی از کارگران در باره خواسته‌ها - بشان و عکس العمل مسئولان می‌گفت "ما چهارم در فرهم بیشتریم، از اول جنگ تعمیلی بیگانه شدیم. فقط حقوق برج‌ماه شهر بوربه ما دادند و بقیه اش هیچی. ما لا هم آدیم اینجا می‌گویند حقوق های عقب افتاده ما را می‌دهند اما به یک شرط! این شرط که تسویه حساب کنیم، یعنی ۹ ماه حقوق را بگیریم و برویم بی کارمان اما ما قبول نمی‌کنیم. ما هم ۹ ماه حقوق - عقب افتاده را می‌خواهیم و هم اینکه به عنوان کارگر شرکت حساب شویم و همچنان ما می‌دو هزار تومان به ما بدهند، و کار هم حاضریم بکنیم". کارگران ضمن مخالفت شدید به پیشنهادات دولت تصمیم دارند، تا گرفتن نتیجه‌ای قطعی، هر روز در مقابل مجلس اجتماع کنند.

به ضرورت تشکیل پی می‌برند حسن اتحاد و همبستگی میان کارگران گسترش می‌یابد آنها با یکدیگر ره‌بها مان، پیگیر و متحدانه را جهت تشکیل شورای انقلابی به پیش برند کارگران ارج قادر خواهند بود نیروی - پراکنده و متفرق خود را در شورای انقلابی متبکز کنند و نیروی در مبارزه جهت تامین حقوق واقعی خویش را تضمین نمایند.

برای مقابله با توطئه‌های سرمایه‌داران (اخراج - تعطیل کارخانه و...)

هیئت تحقیق کارگری را برپا داریم

اخباری از شرکت واحد

کارگران تعمیرگاه ۲ شرکت واحد با اتحاد یکپارچه خود توطئه اخراج نماینده شوراهای اخنشی کردند.

روز یکشنبه ۳/۳ از طرف زرین زلف، رئیس هیئت مدیره و گرداننده اصلی انجمن اسلامی حکم اخراج یکی از نمایندگان شورا صادر شد. کارگران با بعضی شنیدن این خبر دست از کار کشیده و خواستار تشکیل جلسه ای برای روشن شدن علت اخراج نماینده شورا شدند. در جلسه زرین زلف اظهار - داشت بمن گزارش داده شده که او کمونیست است. کارگران گفتند اولاً بر طبق ماده ۱۲ قانون اساسی هر نوع تفتیش عقاید ممنوع است - ثانیاً گزارش دهندگان را باید معرفی کنید. شما حق ندارید کسی را با خط - عقیده اش بیرون کنید. در این موقع موج اعتراض کارگران به زرین زلف بالا - گرفت. صحبتها و مناظره های شورا با استقبال شدید کارگران رو برو شد یکی از نمایندگان شورا ضمن صحبت های - گفت "ما دیگر هرگز بدوران اختناق - فاشها که با زخمی کردیم، شورا سوگند - با کرده که از اخراج زندان و حتی عدم - تسرد حد هاهزار کشته و معلول بخاطر این بود که دیگر نترسیم و اجازه ندهیم اختناق و عقابن برجامه حاکم شود. او گفت شورا یک نهاد انقلابی است و هیچکس حق ندارد با آن مخالفت کند. شورا تبلور - اتحاد و یکپارچگی کارگران است. مثلاً کارگران اگر خود من را نخواهند، مرا برگزینند و کسی دیگر بجای من انتخاب خواهد شد. بنا بر گزارش چند نفر مدت - هبیم قیامی حق نداریم نماینده شورا را اخراج کند. کارگران با کف زدن صحبت های - نماینده را تا شام می کنند. زرین زلف که - اوضاع را مناسب دید تصمیم به فرار - گرفت ولی کارگران مانع فرار او شدند. - بالاخره او که راه به جایی نداشت گفت - اگر چند نفر کارگر قدیمی شاهدت بدهند که - او کمونیست نیست او را به سرکار - میگردانم. در این موقع کلیه کارگران - قدیمی دستشان را بلند کردند. به این ترتیب توطئه زرین زلف این کارگران - سرما به داران در مقابل اتحاد کارگران - نقش بر آب شد.

دوستان کارگر، دولت بجای حل - مشکلات کارگران و پیا سنجی به خواست - های آنها با اقدامات ضد کارگری خود به - مقابل با آنها برخاسته. در حال حاضر در - کارخانه ها برای سرکوبی مبارزات بسز - حق کارگران و ایجاد اختناق و عقابن و - در نتیجه محیط امنی که سرما به داران - براحتی بتوانند به غارت کارگران بپردازند - زنده دست به اخراج کارگران پیشرو و آگاه - میزنند. در این زمینه انجمنهای اسلامی - بعنوان جاسوسان حزب جمهوری اسلامی - عمل می کنند و با شناسایی کارگران پیشرو - و آگاه و اخراج آنها میخواهند جلوی مبارزات

خواسته های کارگران شرکت واحد... نقش شورا و انجمن اسلامی

از بهره وری کارمندان کسر نشود ۱۲ -
تشکیل کمیسیون فوق العاده فنی برای -
کارگرانیکه متیلازم برای ارتقاء -
ندارند. ۱۳ - جلوگیری از اخراج چینی -
رویه کارگران.
بعد از قرائت خواسته های کارگران -
رئیس تعمیرگاه گفت: "سعی می کنیم -
مشکلات و مسائل شما را با همکاران شورا و -
انجمن اسلامی حل کنیم". بدین ترتیب او -
که در مقابل قدرت متحد کارگران مجبور -
به عقب نشینی است، میگوید انجمن اسلامی -
را که به علت مجموعه عملکردها و ارتجایی، -
ضد مومکراتیک، ضد کارگریش مورد تنفر -
کارگران است، بعنوان یک ارگان رسمی -
معرفی کرده و کارگران را بدان جلب -
نماید. اما کارگران یکپارچه به رئیس -
تعمیرگاه اعتراض کردند. آنها که با توجه -
به عملکرد انجمن اسلامی از زمان تشکیل -
آن به ما هیئت ضد کارگری آن پی برده اند -
میگفتند: "فقط شورا حق دارد در کارما -
داخلت کند ما شورا را خودمان انتخاب -
کرده ایم ولی شما انجمن اسلامی بر -
طبق چه والی انتخاب شده. انجمن اسلامی -
فقط باید به مسائل مذهبی کارگران بسز -
پردازد. کارگران به صحبت های نماینده -
انجمن اسلامی که میخواست با صحبت های -
همیشگی خود، آنها را فریب داده و از -
مبارزه در راه رسیدن به خواسته هایشان -
بازدارد، توجهی نکرده و جلسه را ترک کردند.

شورای تعمیرگاه شماره ۴ طی اطلاعیه -
ای از هیئت مدیره و رئیس تعمیرگاه -
درخواست کرد که در روز ۱۲/۳/۶۰ ساعت -
۲ بعد از ظهر در مجمع عمومی کارگران -
شرکت کتند و به مسائل و مشکلات کارگران -
پاسخ دهند. راس ساعت مقرر، کارگران -
در آنها رگوری جمع میشوند. هیئت مدیره -
از شرکت در مجمع خودداری میکند. تا -
آمدن رئیس تعمیرگاه، کارگران و -
نماینده شورا در مورد مسائل و مشکلات -
محبت میکنند سپس خواسته های کارگران -
در ۱۳ ماده تنظیم میشود.

۱- رسمی شدن کارگران جدید - ۲- بسز -
چیده شدن بسط تفتیش عقاید - ۳- از -
دستزد کارگران جلوگیری نمایا به مالیات -
کسر شود. ۴- تشکیل کمیسیون فنی برای -
۱۵ متیلازها و پرداختن شرط سرپرستی -
و استادکار ریبرای آنها. ۵- دادن کمک -
مالی به فروشگاهها و تعاونی برای لابردن -
قدرت خرید فروشگاهها. تعاونی. ۶- ایجاد -
محیط سالم و بهداشتی در تعمیرگاه. ۷ -
پرداخت ۶۲ روز عیدی، دادن ۲۴ انصب -
ما بون در هر ماه، دادن یک شیر روزانه -
به هر نفر مطابق پیمان دسته جمعی. ۸ -
پرداخت دستمزد کارگران در پیا نه سر -
نیمه. ۹- دادن کمک مالی به کارگرانی -
که در رگوش دره زمین گرفته اند و به علت -
عدم وسع مالی ساختمان نشانیته تمام مانده -
۱۰- دادن حقوق و مزایای مساوی بسز -
را شنندگان تعمیرگاه مطابق با خطوط ۱۱-

مبارزات کارگران در مقابل با تعطیل مجتمع صنایع فولاد

این تصمیم ضد کارگری رژیم که چیزی جز -
آدامه سیاستهای یقینیش نبود، کارکنان -
مجتمع تصمیم به مقابل با این سیاستها -
را گرفته و طی گردمانیها و راهپیمایی های درون و -
اعمال حاکمیت را محکوم نموده و نماینده -
گانی برای دفاع از حقوق خود انتخاب -
کردند. این نمایندگان طی نشست های -
متوالی، اطلاعیه ایها در کرده و خواسته های -
خود را مبنی بر جلوگیری از تعطیل شدن -
مجتمع، مانع نعت از هرگونه کاهش حقوق و -
دستمزد کارکنان، نظارت و مشا رگوست -
نمایندگان در طرحها و برنامهای مجتمع -
را مطرح کردند و اعلام نمودند که مبارزات -
خود را تا رسیدن به خواسته های برحقشان -
معمماً نه آدامه خواهند داد.

رژیم جمهوری اسلامی که همواره از رشد -
مبارزات توده ها فرار است، اخیراً -
مجتمع صنایع فولاد را به تعطیلی کشاند و -
در پی آنکوشید تا با ایجاد تفرقه در بین -
کارگران از تشکل آنها جلوگیری کرده -
و جلوی رشد مبارزات آنان را سد نماید. -
شاخه ها زمان درخوزستان که از ابتدا -
بوسیله اعلامیه ها و تراکتها ی خود کارگران -
را از این توطئه شوم رژیم آگاه کرده بود، -
طی اعلامیه ای بتاریخ زده خردا دممن -
افشای اطلاعیه سولویا نی، رئیس مزدور -
مجتمع صنایع فولاد که هدفی جز ایجاد دپراکتگی -
در بین کارگران نداشت از کارگران -
مبارز خواست تا مبارزه پیکر علیه مفاد -
اطلاعیه مذکور و با تشکل خود، توطئه های -
رژیم جمهوری اسلامی را خنثی کنند. در پی

راه کارگران آگاه و شوراهای مترقی باید -
مبارزات کارگران را در کنار نال صحیح -
انداخته و رهبری کنند.

کارگران را سد کنند. کارگران نیز باید -
با اتحاد و همبستگی خود به مقابل با این -
اقدامات ضد کارگری برخیزند. در این

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران



از اجلاس هیئت کارگران و شتاب

کارگران پیشرو

نقل از پیشتاز، نشریه کارگران

پیشرو صنعت نفت

پیرامون هشتمین اجلاس هیئت سراسری شوراهای صنعت نفت، پنجم و ششماره دی بهشت در شیراز

در هشتمین جلسه سراسری شوراهای صنعت نفت که در شیراز برگزار میگردد بد شورای عملیات پالایش پالایشگاه تهران، شورای متحد پالایشگاه تهران، شورای عملیات فنی پالایشگاه اصفهان، شورای عملیات پالایشگاه شیراز، شورای کارمندان پالایشگاه شیراز، شورای کارکنان امور بازرگانی شورای خدمات کامپیوتر حضور داشتند. همزمان با تشکیل این جلسات در پالایشگاه شیراز، حرکت اعتراضی کارکنان پیروسان این پالایشگاه نیز در شرف شکلگیری بود، این حرکت با صدور قطعنامه ای پس از تجمعی کارگران - پالایشگاه نفت، اما نمایندگان شورای عملیات پالایشگاه تهران، نمایندگان تشریح و نمایندگان خدمات کامپیوتر - بعنوان اعتراض به حرکت کارکنان پیروسان شیراز و حضور و نفوذ نمایندگان آنها در جلسه سراسری برای توضیح و روشن نمودن زوایای این حرکت جلسه را ترک نمودند. این حرکت از جانب نمایندگان شیراز اصفهان و امور بازرگانی مورد انتقاد قرار گرفت و در اجلاس فوق العاده ای پس شورانیز این تقیمه بر طرف گردید. از نظر ما نیز این حرکت نمایندگان تهران و تشریح و کامپیوتر غیرا مولی رزیا بسی میشود از نظر ما این حرکت منطبق با منافع کارکنان صنعت نفت نبود و در آن ملاحظات تنگ نظرانه افرادی عمل کرده است که ضرورت یکپارچگی و وحدت طبقه کارگر ایران را در شرایط فعلی احساس نمیکند و مقدم بر آن ضرورت وحدت و یکپارچگی کارگران صنعتی به ویژه صنعت نفت را - فراموش نموده و از افقهای منافع و اغراض شخصی و غیره می نمایند. آنها اولاً به این اهمیت نمیدهند که تصمیم به اعتراض در پالایشگاه شیراز مورد قبول و تأیید اکثریت قریب به اتفاق کارکنان یک

بخش قرار گرفته و مورد پشتیبانی دیگران نیز هست. آنها به این مسئله توجه ندارند که زمینه های مناسب برای شکل گیری یک حرکت اعتراضی جدا از تمام پلاتو ذهنیات آنها، بطور عینی و ما در جا مع فرا هم شده و آنها چه بخواهند و چه نخواهند خارج از اراده آنها این اعتراضات شکل گرفته و در جریان است. آنها نمی فهمند که این حرکات نه تنها در پالایشگاه شیراز بلکه در سطحها مع به مورگوناگون وجود دارد. امروز اگر کارکنان پالایشگاه شیراز - مسئله مسکن را بعنوان یک مشکل مطرح میکنند، این مشکل آنها به تنهایی نیست بلکه مشکل صدها هزار کارگر و زحمتکش دیگری است که در اطراف مین مسکن پراکنده اند و از این محیبت رنج می برند. (نمایندگان تهران نمایان ۳/۵ - با عتده در پالایشگاه تهران بغا طرمسکن را فراموش کرده باشند) همینطور اگر تعدیل حقوق، باکساز، انحلال اداره - بازرسی، مرخصی، بهداشت و درمان و حقوق شوراهای مورد مطالبه قرار میگیرد، اینها باخته و پرداخته ذهن مشتاقان ما چرا جو نیست که مورد تأیید اکثریت کارکنان هم قرار میگیرد. اینها واقعیت های ناشی از اوضاع اقتصادی و سیاسی جامعه ما است. وقتی گران، بیگاری، تورم، بیخانمانی و... به عینه وجود دارد و از برای آن هم نمی توان فرار کرد، با برآن چشم بست، وقتی که مردم ما از این مسائل رنج می برند و به انواع مختلف واکنش نشان میدهند، وقتی به سرعت با یکا توده ای رژیم به خاطر بسیاری از این مشکلات که عموماً بسی جواب مانده در برابر چشم ما تضعیف میشود، وقتی حتی سببها و نهاد انقلاب شکست خورده نیز میگویند با استفاده از این تا بسامانی با وعده و وعید راهی در دل توده ها بجوبیند. با زهد دعوت کردن توده ها به مبارزه، به تحمل این معاشق، به بی تحرکی و بی عملی هیچ معنای دیگری به جز تسلیم در برابر بیوزاری، و تا مین فرصت برای ضد انقلاب تا بتواند با قدرت به سرکوب خلق بپردازد نخواهد بود. وقتی کارکنان جلوشم خود می بینند که کمیته باکساز، عناصرا انقلابی راه و قرار داده و ضد انقلاب شناخته شده راهها میسازد و مدای اعتراضشان را علیه این خیانت آشکار بلند میکنند، مخالفت با آنها، موافقت با خائنین و قرار گرفتن در کنار دشمنان طبقه کارگر است. از این روماعتقاد داریم که تصمیم به شورای مذکور به ترک جلسه به عنوان اعتراض غیر اصولی بوده و از نظر کارگران پیشرو - صنعت نفت محکوم است. کسانیکه در حرف شعار وحدت شوراهای سراسری صنعت نفت و تشکیل اتحادیه شوراهای سراسری را می دهند، و در عمل خود به حرکات انحلال طلبانه و تفرقه افکنانه دست میزنند، عناصرا ما ذقی نیستند که بتوانند هدف درست و اصولی اتحادیه شوراهای را تعقیب نموده و عملی سازند. کارکنان پیروسان پالایشگاه تهران که خود مدتها ست از تنگ نظری و گروگروگراشی های شورای تخمیرات - این پالایشگاه که مانع تحقق شورای مرکزی تهران شده رنج می برند، حق دارند

و لازم است بر اساس این تجربه تلخ از نمایندگان شورای خود به خاطر این خود سری و حرکات نادرست توضیح بخواهند و آنها موظف هستند در یک مجمع عمومی به خطای خود اعتراف نموده و عملاً تعهد خود را در تأمین وحدت کارگران صنعت نفت از طریق شوراهای سراسری به اثبات رسانند.

شوراهای صنعت نفت

خواسته های کارمندان پالایشگاه شیراز را مورد حمایت و تأیید قرار داد. جلسه فوق العاده سراسری شوراهای صنعت نفت، در اطلاعیه مورخ ۶۰/۲/۱۹ خود خواسته های شورای کارمندان پالایشگاه شیراز را اصولی دانسته و مورد تأیید و پشتیبانی قرار داد. لازم به توضیح است نمایندگان زبا پالایشگاه تهران که زمان شکل گیری حرکت اعتراضی در شیراز به سر (۶۰/۲/۵) می بردند، حرکت کارکنان آنها را مورد تأیید قرار نمی دادند. بنا بر این اجلاس سراسری شوراهای صنعت نفت این موضوع مورد بررسی قرار گرفت و نمایندگان تهران گزارش خود را درباره مسائل که در شیراز گذشته بوده مجمع دادند، نمایندگان شوراهای دیگر نیز مطالبی عنوان کردند، نتیجتاً خواسته های کارکنان پالایشگاه شیراز تأیید شد در صورت جلسه در این باره تا یکد می کند که:

- از کلیه خواسته های مولی کارکنان پالایشگاه شیراز (مورخ ۶۰/۲/۱۲) که خواسته های ما شوراهای زیر بنی می باشد حمایت میشود. در ضمن کمیته مشترکی از شوراهای سراسری برای پیگیری و اعلام نتیجه مطالب مندرج در صورت جلسه تشکیل شد.

در این گردهمایی شوراهای کارمندان پالایشگاه شیراز، شورای عملیات پالایش پالایشگاه تهران، شورای عملیات فنی پالایشگاه اصفهان، شورای اداره بازرگانی تهران، شورای اداره کامپیوتر تهران شرکت داشتند.

نوع جدید مخالفت

در نمايش مضحك بحث آزاد در باره لایحه قضایی تمامی دادیم که یکی از ما حب نظران به عنوان مخالفت با لایحه در بحث شرکت کرد. اما معلوم شد مخالفت وی برای این پایه است که این لایحه اساساً "نهایی به تصویب مجلس ندارد - زیرا تصویب شده الهی است!!" در جلسه بحث پیرامون زمینیه چینی برای عزل بنی صدر - آیت نماینده مجلس به عنوان مخالفت با لایحه "عدم کفایت بنی صدر" ثبت نام کرد و در مقابل تعجب دوستان و منجمله رئیس مجلس گفت این لایحه نیاوی به تصویب ندارد بهی است!!

برای مقابله با توطئه های سرمایه داران (اخراج - تعطیل کارخانه و...)

هیئت تحقیق کارگری را برپا داریم

بررسی و تحلیل ملی از جنبش کارگری در سال گذشته

(۴)

ما در شماره های گذشته "کار" جنبش طبقه کارگر ایران را در یکسال گذشته بطور اجمالی بررسی نمودیم. اکنون می‌کوشیم به برخی از جنبه های این جنبش پرداخته و آنرا دقیقتر مورد ارزیابی قرار دهیم.

الف: فعالیت مبارزاتی طبقه کارگر

هر چند بررسی عمومی جنبش کارگری در کلیت خوبش مبارزات فزاینده پروولتاریای ایران را نشان میدهد، اما بدون شک بخشهایی از طبقه کارگر در این دوره از تحرک مبارزاتی بیشتری نسبت به سایر بخشها برخوردار بوده است. در یک بازنگاری میتوان گفت که تحولات سیاسی اقتصادی با اجتماع سهم و تاثیر نسبی در مبارزات طبقه کارگر دارد. از جمله در مقاطعی نظیر سفارت و جنگ... میتوان این تاثیر را دریافت و با تمییز و حرکت نیروهای طبقه مشاهده کرد. در دوره گذشته وقوع جنگ نا عادلانه بین دولتهای ایران و عراق بیشترین تاثیر را بر مبارزات کارگران بجای گذاشت. از سویی افت سنگین اما کوتاه مدتی بر حرکت کل طبقه کارگر بوجود آورده و از تحرک مبارزاتی کارگران بشدت کاست. و از سوی دیگر از کار افتادن بخش عمده ای از صنایع کشور در منطقه جنوب که یکسایز قطبهای مهم صنعتی است، بر حرکت بخش از طبقه کارگر میهنما ناثرات مهمی بجای گذاشت. بدین ترتیب که حرکت مبارزاتی پروولتاریای جنوب که از پتانسیل مبارزاتی بالایی برخوردار است، ابتدا افت نموده سپس همراه با خیل زحمتکشان آواره مناطق جنگی عمدتاً برای تحقق آنها داشت، مسکن و نان برای آوارگان "تغییر سمت داد".

همچنین وجود بحران شدید اقتصادی که به درهم ریختگی صنایع کشور منجر شده، روند تولید را در بخشهایی از صنایع به دلیل کمبود مواد اولیه، تکنولوژی، سوخت و... غیره که خود نتیجه ساخت وابسته صنایع ایران است، متوقف و یا بشدت کاهش داده است. در بخشی از صنایع دولتی توقف و یا کاهش تولید بیش از سایر بخشها وجود داشته است. این امر علاوه بر وجود ارتش عظیم ذخیره صنعتی یا خیل بیگاران از منقذ ما ندن پروژه های صنعتی، ساختنی، کشستو صنعتها و... غیره میباشد، خطر بیگاری را

در این بخش از صنایع بسیار محتمل مینماید. به همین دلیل ترس دائمی از دست دادن کار و مواجهه با فقر و گرسنگی عامل بازدارنده ای در تحرک مبارزاتی این بخش از کارگران محسوب میگردد. چنین وضعی را میتوان در قسمتهای از صنایع ماشین سازی از جمله در کارخانجات جنرال موتورز، گروه صنعتی سایپا، بنزخا و... مشاهده کرد.

بعکس در بخشهایی از صنایع دولتی که نقش حیاتی و استراتژیک دارا هستند دولت در برابر مبارزات کارگران خیلی سربعتر از صنایع دیگر عقب نشینی داشته است. این امر را میتوان در نفت، صنایع دفاع و باقیه دید. بدین ترتیب دولت سعی داشته بوسیله امتیازات و انجام رفرمهایی سطحی مانع تحرک مبارزاتی کارگران این بخش و اعتلا مبارزاتشان گردد.

در بخش صنایع خصوصی بحجرات میتوان گفت که در مدت تولید بدلیل وجود تقاضا برای کالاهای این بخش و بازار فروش یا در سطح گذشته باقی مانده و یا حتی سیر افزایش یافته داشته است. در این رابطه کارگران این بخش از تحرک مبارزاتی بالاتری برخوردار بوده اند. لیکن سودهایی بالای این بخش عصب نشینی سرمایه داران را در برابر مبارزات کارگران سبب گشته است. از جمله در کارخانجاتی چون فیلیور، بوتسکان، پلاستی ران، درخشان، سیما، مهران، پرستیت و... غیره این وضع مشاهده میشود.

علاوه بر این عوامل عینسی، فاکتورهای ذهنی نیز مشخصاً در مبارزات کارگران نقش داشته اند. از جمله میزان تجربه مبارزاتی، سن مبارزاتی، سطح آگاهی سیاسی - طبقاتی و نیز سطح تشکل کارگران، حضور یا عدم حضور پیشروان و جریانهای سیاسی نقش موثری در مبارزات کارگران بعهده دارد. در درون کارخانجات مختلف میتوان تا شری این عوامل را در اشکال مبارزات، پیگیری بودن، وجود تشکل و... غیره بخوبی مشاهده نمود. اما از این زاویه بررسی مبارزات طبقه کارگر ایران تکامل نا موزون مبارزه طبقاتی را در مناطق گوناگون صنعتی

کشور نیز مشخص میباشد. بدین ترتیب در هر یک از مناطق صنعتی بنا به قدمت وجود کارخانجات در آنجا، تعداد کارگران و رابطه و نزدیکی آنها با روستا و تا شیر آن در ذهنیتشان، جوان و یا قدیمی بودن از لحاظ میزان تجربه مبارزاتی، نوع تولید و تکنولوژی بکار گرفته شده و... غیره مبارزات کارگران از پتانسیل و توانمندی متفاوتی برخوردار است. مثلاً بطور عامی مبارزات کارگران در مناطق جنوب کشور چون آبادان و اهواز و سپس در تهران، شیراز و تبریز فزاینده تر است که در پی آن مبارزات کارگران سا بر مناطق چون گیلان، قزوین و غیره قرار میگیرد.

ب: مضمون و اشکال مبارزات کارگران

یک بررسی کلی از جنبش کارگری مشخص میکند که طبقه کارگر دووجه از مبارزه یعنی مبارزه اقتصادی و مبارزه سیاسی را در دوره پیش تو ما "پیش برده است. و دقیقاً "این تلفیق و درهم آمیختن مبارزات اقتصادی و سیاسی کارگران نشانگر قدرت و توانایی جنبش کارگری است. مبارزه همبستگی پروولتاریا برای بهبود شرایط کار رابطه کوشش بورژوازی حاکم برای انتقال اثرات بحران زمین با بنده اقتصادی برگرده کارگران که بطور غیر مستقیم به کاهش دستمزدها و خاستهای فوری اقتصادی را در دستور مبارزات کارگران قرار میدهد. از سویی دیگر کوشش بورژوازی برای تثبیت کامل خویش و شکست قطعی انقلاب که بطور ناگزیری مستلزم محور نا بود کردن دستاوردهای دمکراتیک قیام میباشد، مبارزهای سیاسی در زمینه خواستهای دمکراتیک را فراروی کارگران قرار داده است. بدین ترتیب در روند مبارزات کارگران خواستهای فوری از جمله خواستهای اقتصادی و مطالبات دمکراتیک در زمینه سیاسی میباشد. و این درحالیست که مبارزه سوسیالیستی در سطحی بسیار کم رنگ در میان کارگران جریان داشته است.

در اینجا نیز مضمون مبارزه کارگران تا شیری بری فوق العاده ای از عوامل ذهنی پیش گفته دارد. چنانکه عملکرد این عوامل بطور مشخص نشان میدهد که مضمون سیاسی مبارزات کارگران در مناطقی چون جنوب و تبریز در یک دوره برجستگی خاصی برخوردار بوده است. در حالی که مثلاً در شهرک صنعتی قزوین بدلیل جدید بودن صنایع در آن منطقه، ارتباط قوی کارگران با روستا و... وجه غالب مبارزات کارگران زامبارزات اقتصادی تشکیل میدهد. البته این بدان مفهوم نیست که در اینجا مبارزه سیاسی جریان ندارد، چرا که در شرایط طبقه در صفحه ۹

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر بیشتر از مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

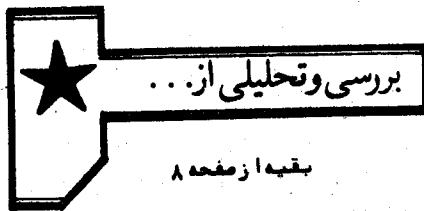


با زار فروش دارند، از سوی کارگران بکار گرفته شده که موفقیت آنهم علاوه بر سطح شکل و آگای همی میزان و مقابله و مست و ایستادگی خود مربوط بهمین مراسم است. اما بدون شک اشکالی را که کارگران در مبارزاتشان بکار میگیرند خود در پیوند رگانیک با سطح آگای همی شکل سنن و تجربه مبارزاتی و... قرار دارد. بدین ترتیب است که مثلا در طایفه ای نفت ایران که نسبتا "برخوردار" میباشند از این عوامل دارد، در مبارزات مستجاب متناوب با شرایط عمومی جامعه و تقاضای قوای طبقاتی و در نظر گرفتن ظرفیت عینی مبارزاتی توده کارگران اشکالی را انتخاب میکنند، که به نیروی مستجیده و ارتقاء مبارزات را به همراه دارد. در حالیکه در مورد بخشی از کارگران جوان که دلیل باطنی بودن سطح عوامل فوق و وجود ریشه های قوی دهقانی مبارزات با دست زدن به یکسری حرکات تند و بدون توجه به سطح شکل و آگای همی مبارزات با این جهت مواجه شده و با سرعت بسیار رودر و قرار گرفتن با عامل سرکوب میدان را خالی کرده و با افت مواجه میگردد. مبارزه و انتخاب اشکال مبارزه بدون سازش و در عین مبارزه با فرمیسم و تمايلات فرمیستی با آرزوهای به پیچیده، از سهل به سخت و از کوچک به بزرگ با در نظر گرفتن تناسب قوا در واحد و کل جامعه ظرفیت عینی مبارزاتی با توجه به ذهنیت، شکل، تجربه و... و بسیاری فاکتورهای دیگر هرگز نتواند بدین چینی مبارزاتی است که کارگران آبدیده شده و روح نظمی قانونمندی مبارزه پرولتاریا را فرامیگیرند.

ج: مبارزات کارگران و شوراها

کوشش بورژوازی حاکم برای نابود و فرمایشی کردن شوراها و کارخانهدار و مقاومت و مبارزه توده کارگران و زحمتکشان برای حفظ و تشکیلات شوراها و انقلابی را میتوان یکسری از نمودهای بارز خود بزرگی جامعه مبارزاتی شرایط پس از قیام تاکنون با همبستگی کثرت بین انقلاب و ضد انقلاب محسوب کرد. این کثرت در مورد شوراها که از قیام تاکنون به اشکال گوناگون جریان داشت، در سال گذشته نیز با شدت بیشتری وجود داشت.

جنبش کارگری در ادامه و متکا مسل خویش تا پیش از این توانسته بود تنظیمی عالیتر از شوراها در درون یک کارخانه یعنی وحدتی از شوراها و کارخانجات را شکل دهد. این اتحاد از دوگانان متعاقب گشته بود. از سویی در درون رشته های سراسری چون نفت و سایر رشته های که تحت مدیریت و سازمان واحدی قرار داشتند، نظیر سازمان گسترش و پایداری دفاع، شوراها با ارتباط با یکدیگر شوراها و سراسری را شکل داده بودند. ادامه دارد.



کثرت اشکال و ضد انقلاب مبارزات - اقتصاد کارگران نیز در "بسته" مبارزه سیاسی بدل میگردد. هر برخورد جدی اقتصادی غالباً "کارگران را سرپا" رو در روی دولت قرار میدهد که این امر خود در مبارزات کارگران شهرک صنعتی قزوین خوبی نمودار است. رودر و قرار گرفتن کارگران در هر صورت اعتبار در مقابل ارگانهای سرکوبگر چون پاسداران، مطرح شدن تشکیلات شوراها در مبارزات صنعتی و به تبع آن این مبارزات از گنانا این تشکلهای غیره خود زمینه های برای این سیاسی شدن مبارزه محسوب میگردد.

و اما در مورد اشکال مبارزه کارگران در جنبش کارگری ابتدای میتوان در دو بعد کلی اشکال قانونی و اشکال غیرقانونی به تقسیم پرداخت. در شرایط کثرت اشکال و ضد انقلاب بی شک اشکال مبارزه نسبت به دوران رگودیسها متنوع میباشد. بررسی جنبش کارگری بروشنی به اشکالات مبارزاتی این جنبش در روند تکاملی خود در کلیت خویش بسوی انتخاب اشکال عالیتر مبارزه، به اشکال غیرقانونی، به عمل مستقیم و به مبارزه انقلابی روی آوردن است. بدینسان اگر در چند ماه اول پس از قیام مراجع جمعی به وزارت کار، دفاع و سایر وزارتخانه های حکومتی بطرز نسبتا "چشمگیری در مبارزات کارگران مشاهده میشود. همراه با فروریختن توهم کارگران و ارتقاء آگای آنها روی آوردن به "عمل مستقیم" در مبارزات طبقه کارگر و فروریختن توهم نمایان میگردد. اگر در یک دوره بعد از قیام تحمیل و ادامه و جلوگیری از کارگرانی که عمدتا "از سوی کارگران بخش ساختمانی بدلیل توقف کارهای ساختمانی و بیرون نبودن کارگران از محیط کار بکار گرفته میشود، بتدریج اعتبار در کل طبقه بر آن بهیچ میگیرد.

بدین ترتیب در سال گذشته و بخصوص پس از جنگ بجز آن میتوان گفت که اشکال غیرقانونی مبارزه بر اشکال قانونی آن برتری چشمگیری داشته است. در این دوره تا کنون مبارزات سیاسی کارگران عمدتا "شکل اعتبار و سپس جلوگیری از خروج تولید با تقدم بسیار گذر کرده است. اعتبار عمده ترین توده های ترین شکل مبارزه در این دوره بشمار میرود. تا کنون جلوگیری از خروج تولید نیز بنا به وجود مبارزان و توانایی اقتصاد بورژوازی، و بی تاثیر بودن اعتبار بدلائل گوناگون و... عمدتا در صنایع خصوصی و با کالاهای که

در شرایط حساس و بحرانی کنونی، سازمان برای پاسخگویی همه جانبه به وظایف انقلابی در مقابل توده های زحمتکش، به کمکهای مالی شما بیش از پیش احتیاج مبرم دارد. کمکهای خود را از هر طریق که می توانید به همراه کد مربوطه به سازمان برسانید. (امور مالی سازمان)

الف	ب	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ع	ف
۲۳۳۳	۵۲۲۱	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۱۱۱۹	۲۱۰۰	۱۰۱۱۱	۲۰۰۰	۲۲۲۲	۱۴۲۱
۲۱۱۵	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۰۰۰	۲۲۲۲	۱۴۲۱
۱۰۱۰۰	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۰۰۰	۲۲۲۲	۱۴۲۱
۵۸۸۸	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۰۰۰	۲۲۲۲	۱۴۲۱
۶۱۱	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۰۰۰	۲۲۲۲	۱۴۲۱
۲۱۱۱	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۰۰۰	۲۲۲۲	۱۴۲۱
۱۵۲۱	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۰۰۰	۲۲۲۲	۱۴۲۱
۲	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۰۰۰	۲۲۲۲	۱۴۲۱
۵۵۰۰	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۰۰۰	۲۲۲۲	۱۴۲۱
۵۰۰۰	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۰۰۰	۲۲۲۲	۱۴۲۱
۱۰۲۲	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۰۰۰	۲۲۲۲	۱۴۲۱
۷۳۳	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۰۰۰	۲۲۲۲	۱۴۲۱
۲۱۱۱	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۰۰۰	۲۲۲۲	۱۴۲۱
۱۲۰۰	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۰۰۰	۲۲۲۲	۱۴۲۱
۱۶۵۰	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۰۰۰	۲۲۲۲	۱۴۲۱
۱۹۲۱	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۰۰۰	۲۲۲۲	۱۴۲۱
۶۵۲	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۰۰۰	۲۲۲۲	۱۴۲۱
۱۱۱۴	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۰۰۰	۲۲۲۲	۱۴۲۱
۱۰۰۰۰	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۰۰۰	۲۲۲۲	۱۴۲۱
۵۶۷۸	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۰۰۰	۲۲۲۲	۱۴۲۱
۱۱۲۳	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۰۰۰	۲۲۲۲	۱۴۲۱
۱۰۰۰۷	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۰۰۰	۲۲۲۲	۱۴۲۱
۱۴۲۰	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۰۰۰	۲۲۲۲	۱۴۲۱
۵۵۵	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۰۰۰	۲۲۲۲	۱۴۲۱
۱۵۱۸	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۰۰۰	۲۲۲۲	۱۴۲۱
۱۰۱۰	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۰۰۰	۲۲۲۲	۱۴۲۱
۵۰۱۵	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۰۰۰	۲۲۲۲	۱۴۲۱
۲۵۲۳	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۰۰۰	۲۲۲۲	۱۴۲۱
۲۳۳۳	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۰۰۰	۲۲۲۲	۱۴۲۱
۶۲۳۳	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۰۰۰	۲۲۲۲	۱۴۲۱
۶۱۲۰	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۰۰۰	۲۲۲۲	۱۴۲۱
۲۱۳۵	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۰۰۰	۲۲۲۲	۱۴۲۱
۱۰۰۰	۲۲۲	۲۱۲۲	۱۵۱۲۵	۲۱۰۱	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۱۰۰	۲۰۰۰	۲۲۲۲	۱۴۲۱

سازشکاران بدانند کارگران بیدارند

رهنمود به هواداران فعالیت تبلیغی خود را شدت بخشید

۳- تمامی رفقا باید به روشی مناسب و ممکن اعلامیه‌ها و تراکت‌های سازمان و همچنین مقالات نشریه کار را به وسیله معتبرترین شکل ممکن تکثیر کنند و از این طریق تیراژ نشریات سازمانی را بالا ببرند. رفقا! تهیه دست‌نویس، درشت‌نویس‌های مقوایی، تکثیر توسط پستی کپی‌های دستی (چهارچوب تکثیر) همه و همه وسیله‌های بسیار مناسبی است که می‌توانند به‌وسیله باکمی ابتکار و عمل حضوراً را در سطح جنبش دوچندان کنند.

باید تمامی عملیات جمع‌کردن را از اعلامیه و تراکت برنمود، اتوبوسهای شهری، صف‌های گوشت‌فروشی و اتوبوس محل تعطیل سینماها، چهارراه‌های پررفت و آمد و... همه مکان‌های مناسبی هستند که در کمترین مدت با حداقل خطر می‌توان صدای سازمان را بگوش توده‌های وسیعی رسانید. ما برپخش در محلات زحمتکش نشین و میان کارگران تأکید بسیار داریم.

در توزیع وسیع، همه جا نباید یکجور نشریه کار و فوق‌العاده خبری کار بکشید. با سازمان‌دهی تیمی فروش عملی نشریه کار را به پیش برانید. هرگاه در سر چهارراه، در هر خیابان و در هر گوی و بزرگ‌نشریه کار فروخته شده رژیم از دستگیری و پیگردن ما عاجز خواهد ماند. می‌توان برای امنیت بیشتر مدت زمان ماندن در یک محل را محدود نمود و با یک تمفیه کوتاه مدت در محلی دیگر به فروش پرداخت.

یکی از اشکال بسیار موشربان تبلیغ که در مورد توده‌های وسیعی کار برده می‌شود، دارنده تبلیغ شاه‌ی است. بکارگیری این شیوه در هر مکانی که توده‌ها هستند میسر است. هنریک مبلغ آنست که بتواند مواضع سازمان را با زبانی ساده، با مثال‌های ارزندگی روزمره توده‌ها بیان کند. زبان روشنگری را بکنار نینهد، از افتاد به‌دام اکثریتی‌های راست توده‌ها بپای که ما بلندبیت‌ها را از مشکلات توده‌ها و مسائل آنان منحرف سازند. خودداری کنید. ایک با بدمحور بحث‌ها را در طرح یک آلت‌ناتیبو انقلابی خلاصه کرد. توده‌ها می‌خواهند راه حل مشکلات خود را بدانند. در همین سمت و سودا دن مبارزات توده‌ها به‌سوی حزب جمهوری اسلامی، با ارائه راه‌های انقلابی در برابر مشکلات توده‌ها می‌توان به‌افشای چهره لیبرال‌ها و ماهیت توخالی وعده‌و وعیدهای آنان دست زد.

ب- حضور فعال در میان توده‌ها، شرکت وسیع و همه‌جانبه در مبارزات آنان و سازمان‌دهی آنان.

اینکجا همه در شرایطی بحرانی بسر می‌برد و هر روز که میگذرد با ندادن یکسال در تغییر ذهنیت توده‌ها موثر است. جو حاکم برجای توده‌ها در هر لحظه تغییر میکند. باید در این تغییر شکلی فعال شرکت کنیم و هر خود را بر تحولات جامعه و تغییر

رفقا! در شرایط بحرانی کنونی باید با تمام توان نیروی فعالیت‌های تبلیغی را سازمان داد. هرگونه کوتاهی در اجرای سریع، دقیق و پیگیر این وظایف ضرباتی جبران‌ناپذیر به پیگیر جنبش خلق وارد خواهد ساخت. از اینرو وظایف چندراکه در شرایط کنونی شکلی عمده مطرح است بر می‌شماریم.

الف- تشدید فعالیت‌های تبلیغی: باید به هر طریق ممکن با تمام نیروی موجود سازمان را به میان توده‌ها ببریم. باید شعارها، بیان‌نامه‌ها، مردم‌توضیح دهیم و آنان را حول این شعارها بسیج کنیم. باید توده‌ها را که بیش از پیش به مبارزه روی می‌آورند با آلت‌ناتیبو انقلابی آشنا سازیم. باید به توده‌ها بگوئیم که فدائیان خلق چه می‌گویند و این عمل میسر نیست مگر با تشدید فعالیت‌های تبلیغی.

ب- شعار نویسی: سازمان را باید در این عمل پیگیر باشید. وسایل لازم را که به‌ارزانترین قیمت قابل تهیه است، تدارک ببینید و سعی کنید وقت مشخصی را برای این عمل در برینا مه‌خرجود بکنجانبند. علاوه بر این همواره با یکی همراه داشته باشید و در مکان‌ها و موقعیت‌های مناسب شعارهای سازمان را بر درود ببار، داخل اتوبوس و... بنویسید. انتخاب شعار بسیار مهم است. در این مورد نکات زیر را رعایت کنید:

۱- شعارها را دقیق و آنگونه که در کار می‌آید بنویسید. از نوشتن شعارهای دیگر با امفای سازمان خودداری کنید. ۲- مضمون شعارها باید با محل نوشته شدن آن مطابقت داشته باشد. در غیر اینصورت نیروی ما به‌دررفته است. مثلاً نوشتن شعارهایی در مورد گرانی، بیکاری و... در مناطق شمال شهر و اعیان‌نشین کاری بی‌فایده است. ۳- در این شرایط که دیوارنویسان حرفه‌ای رژیم و فاشم آن اکثریتی‌های راست توده‌ها را در تمام شهر مشغول پاک کردن شعارهای انقلابی و طرح شعارهای ضد انقلابی، ابتکار عمل، انتخاب جای مناسب و شیوه نوشتن رنگ و طرح شعار، در جلب توده‌ها بسیار مهم است.

پخش اعلامیه‌ها و تراکت‌های سازمان را به وسیله بهترین شکل ممکن به پیش برید. در این مورد می‌توان رهنمودهای زیر را بکار بست:

۱- در شرایط فعلی حاکمیت با وجود بکارگیری تمامی نیروی خود قادر نیست احتیاط سیاه را بر جامعه حاکم‌گرداند. تمامی رفقا باید از این شرایط حداکثر استفاده را بنمایانند. بر احتی می‌توان شکلی گروهی پخش عملی را سازمان داد. مسلم است که کار بست این رهنمود فقط با درک صحیح شرایط و رعایت مسائل ایمنی لازم ممکن است. باید با دقت مراقب تمفیبات‌های سازمان یافته بود.

۲- سازمان‌دهی پخش عملی، حضور سازمان را در سطح جامعه بخوبی نشان می‌دهد اما کافی نیست. در جواری عمل باید پخش مخفی در محلات و کارخانجات را به وسیله معتبرترین شکل سازمان داد. شناسایی اولیه محیط، دقت کافی در هنگام پخش و مراقبت بعدی برای مطمئن شدن از نبود تعقیب و مراقبت لازم چنین عملی است.

ذهنیت توده‌ها بگوئیم. باید بدین محیط، نفس اجتماع را در دست خود بگیریم. برای این کار باید در میان توده‌ها بود. در اجتماعات آنان شرکت کرد به بحث‌های آنان سمت و سودا داد. اعتراضات پراکنده و بی‌شکل آنان را شکل بخشید و سازمان داد. باید علیه اعتراضات توده‌ها را از سوی مسائل جزئی و روزمره بسوی حاکمیت متوجه کرد. باید در مقابل خواسته‌های توده‌ها... در عین اینکه روشن می‌کنیم این حاکمیت و هر چه حاکمیت سرمایه‌داری دیگری با شکست این خواسته‌ها نیست. به طرح آلت‌ناتیبو انقلابی "شورا" بپردازیم. باید برای توده‌ها روشن کرد که باید با محور خود را خود بدست گیرند. در عین هدایت خشونت زحمتکشان بسوی رژیم، آنان را با ایده شوراها آشنا سازید. باید بدین روشی بدانیم روی آوری توده‌ها به مبارزات بحالت‌نظرت و آنجا را از سیاست‌های سرکوبگرانه و ضد خلقی حزب جمهوری اسلامی است و فقط در صورت فقدان حرکت فعال نیروهای انقلابی لبرال‌ها قادر خواهد شد. سوار گردانند.

گزارش نویسی را بعنوان یکی از مهمترین وظایف سازمانی به پیش بریم.

بیشتر در تبلیغ سازمانی و حضور فعال در میان توده‌ها یک جانب‌آزاد یک رابطه دوطرفه است. رفقا! شناسایی سوئی بعنوان یک سازمان به میان توده‌ها می‌رود و از سوی دیگر باید بعنوان شاخک‌های حس سازمان تمامی وقایع، اتفاقات و تغییرات موجود در سطح جامعه را سریع و دقیق ضبط نموده به سازمان منتقل کنید. در این شرایط حساس تنها سازمانی قادر است تحلیل دقیق از اوضاع جامعه تا کتیبه‌های مناسب اتخاذ کند که شکلی کاملاً منبسط جامعه و توده‌ها را در دست داشته باشد و این میسر نیست بجز سازمان‌دهی یک سیستم منظم، سریع و دقیق‌گزارش نویسی. رفقا! هر اوقه‌ای که بنظر کوچک و بی‌اهمیت جلوه می‌کند هرگاه بتواند گوشه‌ای از ذهنیت توده‌ها و با وقایع جاری را منعکس گرداند باید گزارش شود. هر خبری که در وهله اول مهم بنظر نمی‌رسد ممکن است در زنجیره بهم پیوسته اخبار سازمانی نقش ویژه‌ای ایفا کند. باید گزارش دهی منظم و دقیق را سازمان داده این عمل را بعنوان یک سنت پسنندیده سازمانی به پیش برد.

رفقا! هرگونه سستی و رخوت را باید بکناری نهاد. باید سراپا شور کمونیستی شد. هرگونه اعمال در انجام وظایف انقلابی، حتی به‌در دادن یک ساعت از این اوقات گرانبها ممکن است عواقبسی جبران‌ناپذیر در برداشته باشد. همه‌انگونه که در کار شما ره‌آه نوشته بودیم در هر کجا هستند به این حقیقت پر شکوه ببندید. بده‌ها هزار رتن مبارز انقلابی در ده‌ها هزار مکان چون شما در حرکتند. به این حرکت عظیم ببندید و در میان تمام طبقات و اقشار زحمتکش، اندیشه‌ها و شعارهای خود را نقش بندید.

پس به پا خیزید رفقا!

دنیای کار پیش روی ماست



نامبیا ۶۰/۳/۲۵

روزنامه‌های ناپرویی گزارش دادند که بتازگی حدود ۴ هزار مزدور مسلح توسط رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی برای مقابله با رزمندگان سواپو که در راه استقلال نامبیا می‌جنگند، اجیر شده‌اند. "گوریزا" سخنگوی جنبش سواپو در زمان ملل ضمن تأکید این خبر اعلام داشت که مزدوران مذکور به کمک امپریالیستهای آمریکا، انگلیس، آلمان، فرانسه و دولت استرالیا بسیج شده‌اند.

سخنگوی مذکور همچنین اعلام داشت که رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی جوانان ۱۶ تا ۲۵ ساله را بعنوان سرباز مجبور به جنگیدن علیه انقلابیون می‌نامند.

قروسه فلسطینی در زندان

طبق گزارش سازمان آزادی بخش فلسطین، سه تن از رزمندگان فلسطینی اسیر، بتوسط صهیونیستها در یکی از زندانهای فلسطین اشغالی به شهادت رسیدند. کشتار و شکنجه زندانیان انقلابی چه در دوران بازجویی و چه بعد از آن شیوه رایج رژیم صهیونیست است. همه رژیم‌های فدا انقلابی و مرتجعین است که در برابر کشتار می‌بازند بی‌امان خلقها.

مستأمل شده‌وراهی جزگسترش جنون آمیز وحشگری نمی‌شناسند. نمونه کشتار ۶ - انقلابی اسیر خلق السالوادور توسط رژیم صهیونیست و کشتارهای مکرر زندانیان سیاسی در آفریقای جنوبی...

و بالاخره کشتار ۹ رزمنده مجاهد فدائی در زندان شاه و ترور فدائی خلق و از رهبران خلق ترکمن و نیز ترور چریک فدائی خلق هادیان و مجاهد خلق امیر ارگنجی در زندان جمهوری اسلامی... نمونه‌هایی از استیصال رژیم‌های سرمایه - داری در مقابل مبارزات خلقهاست.

فلسطین اشغالی: جمعه ۲۲ خرداد، یک جوان مبارز فلسطینی در یکی از اردوگاه‌های آوارگان در بیت اللحم به ضرب گلوله سربازان حکومت نظامی کشته شد. در اعلامیه فرماندار نظامی آمده است که این جوان همراه با همسرش هنگام تظاهرات علیه سربازان اسرائیلی به طرف نظامیان سنگ پرتاب کرده است و سربازان برای دفاع از خود شلیک کرده‌اند. صهیونیستها از ترس تبدیل شدن مراسم تشییع جنازه این مبارز فلسطینی به تظاهرات گسترده، شبانه صدوی رادور از چشم مردم بیگانه سپردند.

شخصی که توانسته بود زاردوگاه مذکور فرار نماید اظهار داشت که افراد ساکن در این اردوگاه طی روزهای اخیر حق خروج از آنجا را ندارند و سربازان صهیونیست برای یافتن مبارزان عضو سازمانهای فلسطینی، تمامی منازل حدود ۵۰۰۰ سکنه اردوگاهها را شدیداً بازرسی میکنند.



۴ تن از استادان دانشگاههای شیلی که اوخر ماه مه به دلیل دفاع از مبارزات دانشجویان در جهت اخراج گارد دانشگاهی، دستگیر و زندانی شده‌اند. در تاریخ ۲۲ - خرداد، نوزدهمین روزاً اعتماد غذای خود را پشت سر گذاشتند.

مبارزات دانشگاهیان شیلی در دفاع از حریم محیط آموزش خود در ماههای اخیر ایستادگانه‌ای یافته و سرکوبگران رژیم نظامی، دانشگاهها را که یکی از پهنه‌های تریین سنگرهای آزادی در این کشور است به اشغال خود در آورده‌اند.

روز ۲۲ خرداد: در دفاع از مبارزات دانشگاهیان یک گروه کماندوئی از انقلابیون شیلی طی یک حمله شبانه ۴ تن از نیروهای گارد امنیتی مستقر در دانش - گاه رازخمی نمودند. از سوی دیگر: دانشجویان مکزیک با اشغال دفتر ریونسکودر مکزیکوسیتی ضمن اعلام همبستگی با مبارزات دانشجویان هرمز خود در شیلی، خواستار آزادی دانشجویانی شدند که توسط رژیم پینوشه به زندان افتاده‌اند.



پرو - لیما ۲۲ خرداد

دهفانان زحمتکش یکی از مناطقی اطراف لیما بعد از مدت‌ها تلاش از کانه‌های قاتونی برای بین گرفتن زمینهای خود که توسط دولت سرمایه‌داری به زور از آنها غصب شده و در اجناس شرکتی زراعی قرار داده شده بود، راهی اقدام نموده - زمینهای خویش را مجدداً "بتصرف خود درآوردند. این اقدام انقلابی روستا - شیان رژیم حامی سرمایه‌داری را به وحشت انداخت و برای حمایت از سرمایه داران و جلوگیری از سرایت این شیوه انقلابی به سایر مناطق، نیروهای سرکوب - گر خود را به مقابله با روستا شیان کسبل داشت. در درگیری میان زحمتکشان منطقه مذکور و نیروهای دولتی یک زن کشته و ۲۷ کتای و زخمی شدند. با این همه نیروهای سرکوب روستا هستند و روستا شیان را از زمینهایشان خارج سازند.

نصرف یک شهردیگر توسط انقلابیون السالوادور

از سوی دیگر در درگیری با نیروهای دولتی، انقلابیون "جنبه" یک مستشار نظامی آمریکا را بقتل رساندند. لکن دولت السالوادور هنوز در این مورد اظهار نظر نکرده است و این بدان دلیل است که رژیم جنایتکار السالوادور از اعتراف به وجود نیروهای انقلابی و فعالیتهای آنها واهمه دارد.

بدنبال وقایع اخیر طی هفته گذشته بیش از ۵۰ جسد که بر روی بعضی از آنان آثار شکنجه نیز دیده می‌شد، در السالوادور به دست آمده است.

ضربات و خساراتی که چریکهای انقلابی و خلق السالوادور بر پیگرد رژیم دست نشانده و مرتجعین پلئون دوارته وارد می‌نمایند این رژیم را واداشته تا با تمام وسایل ممکن از قبیل (ارتش) گروه - های شبه نظامی و دستجات تروریستی و باندهای میسها بر شدت خشونت و سرکوب در السالوادور بیافزاید. اما تمام این شیوه‌ها و حتی کمکهای بی‌شمار نظامی و مالی آمریکا به این رژیم و دیگر رژیمهای دست نشانده منطقه قادر نخواهد بود که بحران سیاسی و اقتصادی در آمریکا - مرکزی را پایان بخشد. تنها السالوادور است که مبرودت برای همیشه به بحران این کشور خاتمه دهد.

"جنبه" آزادیبخش فارابیوندمارتی اعلام داشت که در تاریخ ۶۰/۲۲ شهر آکارتا نواقع در ۵ کیلومتری مرز هندوراس را به تصرف خویش درآوردند. تصرف این شهر یکی دیگر از بزرگترین پیروزیهای چریکهای انقلابی در السالوادور می‌باشد. در این جریان ۱۴۰ سرباز کشته و همچنین تعدادی نیز زخمی شدند. جنبه آزادیبخش فارابیوندمارتی اظهار - داشته است که تا کنون (۶۰/۲۲/۲۳) رژیم السالوادور، تلاشهای مذبوحانه‌ای برای باز پس گرفتن شهر انجام داده ولی موفق نشده است. از جمله، برای نجات واحدهای دفاعی خود که در محاصره نیروهای انقلابی می‌باشند، هواپیماهای جت جنگنده‌ای را به منطقه مورد نظر اعزام داشته است. این هواپیماها، حومه و کوهپایه‌های اطراف شهر آرتا تا نورا بمباران نموده‌اند. همزمان با این پیروزی - بزرگ انقلابیون السالوادور به موفقیت دیگری نیز دست یافته‌اند و آن این است که اولین گروه‌های درسیایی - نظامی مدارس انقلابی "جنبه" آزادیبخش فارابیوندمارتی را برای فرماندهی واحدهای چریکی آماده نموده‌اند. این خودگامی است پس بزرگ در جهت تربیت و پرورش انقلابیون حرفه‌ای برای جنبش السالوادور.

مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبش‌های رهایی بخش سراسر جهان

افزایش دستمزد مناسب با افزایش قیمتها حق مسلم کارگران است

بنا بر ماده ۲۲ قانون کار مصوب سال ۱۳۲۹، که هنوز مورد تأسیس جمهوری اسلامی است، وزارت کار موظف است در آغاز هر سال حداقل دستمزد کارگران را به نسبت افزایش هزینه زندگی و برای این منظور جدول تهیه و تصویب کند. در آن ضروریترین کالاها و خدمات مورد مصرف کارگران گنجانده شده و وظیفه وزارت کار این است که با در نظر گرفتن قیمتهای جدید، هر ساله حداقل دستمزد کارگران را محاسبه و اعلام کند.

در دوران شاهنشاهی، با وجود آنکه اصل قانون مذکور وجود می‌تواند به لحاظ غیر واقعی بودن مورد قبول کارگران نبود، رژیم با دستکاری جدول و کم‌نوشتن قیمت‌های اجناس و خدمات حداقل دستمزد کارگران کمتر از واقع ارزیابی می‌شد و اساساً خود قانون اجرا نمی‌شد و در نتیجه حداقل دستمزد نیز تا حد امکان پایین بود. با سرنگونی رژیم شاه، برای سرچشمی شده‌ها، دولت موقت در آغاز سال ۵۸ ناچار شد ظاهرأ طبق جدول مذکور، حداقل دستمزد را برآورد کند و اعلام داشت که حداقل دستمزد کارگران از ۲۸۹۹ ریال به ۵۶۷ ریال افزایش یافت.

اما در آغاز سال ۵۹، رژیم جمهوری اسلامی با تکیه بر معیشتی زسکوب و ضعیف فتن آن که قانون سودویژه را به بهانه «طاغوتی بودن لغو کرده» از این راه مزایا و پاداش آنان را به نصف کاهش داد، اعلام کرد که به حداقل دستمزد کارگران فقط ۶۸ ریال افزوده می‌شود و به ۶۳۵ ریال می‌رسد. و این در حالی بود که به علت گرانی، قدرت خرید کارگران به شدت تقلیل یافته بود.

رژیم جمهوری اسلامی در خرداد ماه سال اعلام کرد که «حداقل دستمزد کارگران به رقم ۶۳۵ ریال قبلی ثابت می‌ماند و تنها به دستمزد کارگرانی که یک سال سابقه کار دارند و رزانه ۴۰ ریال و به کارگرانی که مورد تأسیس کمیته‌های مشکل از نمایندگان کارفرما، شورای اسلامی و سرپرستان کارگاه باشند، به تناسب نظم و برکاری ۲۰٪ - ریال الی عربیال تشویقی تعلق می‌گیرد. کارگران می‌دانند که ۴۰ ریال فوق - همان «حق با» است که در ازای یک سال سابقه کار پدید می‌آید و مرتباً از آن - نسبت و مبلغ تشویقی نیز وسیله ای است در دست سرمایه داران و دولت سرمایه - داری برای بهره‌کشی هر چه بیشتر کارگران و کوشش در جهت تفرقه افکنی میان آنان. تشبیه حداقل دستمزد برای سال جاری در شرایطی صورت می‌گیرد که افزایش سرمایه و هزینه زندگی بیش از پیش بر کرده

حداقل نیا زندگیها به دستمزد کارگران (معموبه سال ۱۳۲۹ - وزارت کار)

نوع کالای مصرفی خانوار	مصرف در سال	قیمت واحد کالاها و خدمات به نرخ متوسط سال ۵۹	قیمت کل (ریال)
ب: پوشاک زن			
پیراهن تابستانی چست	۲	۱۵۰۰	۳۰۰۰
پیراهن زمستانی	۲	۲۱۰۰	۴۲۰۰
جسوراب تابستانی	۲	۷۰	۱۴۰
پوشش زمستانی	۲	۳۵۰	۷۰۰
پالتو زمستانی (هر سال یک عدد)	۱	۱۸۰۰	۱۸۰۰
رومیزی	۱	۳۰۰	۳۰۰
چادر زمستانی	۲	۹۰۰	۱۸۰۰
جمع کل پوشاک زن			۱۰۸۱۰
د: فرزندان (۲ فرزند)			
کت و شلوار (هر یک یک دست در سال)	۲	۳۵۰۰	۷۰۰۰
پیراهن (هر یک دو عدد در سال)	۲	۲۰۰	۴۰۰
زیرپیراهن (هر یک دو عدد در سال)	۲	۱۵۰	۳۰۰
زیرشلوار (هر یک دو عدد در سال)	۲	۳۵۰	۷۰۰
جسوراب (هر یک یک عدد در سال)	۲	۵۰	۱۰۰
پالتو زمستانی (هر یک یک عدد در سال)	۲	۹۰۰	۱۸۰۰
کفش (هر یک یک عدد در سال)	۲	۱۲۰۰	۲۴۰۰
پالتو (هر یک یک عدد در سال و نیم)	۲	۳۵۰۰	۷۰۰۰
جمع کل پوشاک فرزندان			۱۸۲۶۶
ج: مسکن و اثاث منزل و آب و برق و وسایل دست			
یک اتاق و دستوپا آشپزخانه			
یک اتاق	۱۰۰۰۰		۱۲۰۰۰۰
آشپزخانه	۲۰۰۰		۲۳۰۰۰
آب	۲۰۰		۲۴۰۰
روشنایی	۲۰۰		۲۴۰۰
سوغات (نفت، هیزم و کبریت)	۲۵۰		۲۰۰۰
جمع کل مسکن و لوازم			۱۶۳۸۰۰

نوع کالای مصرفی خانوار	مصرف در سال به کیلوگرم	قیمت واحد کالاها و خدمات به نرخ متوسط سال ۵۹	قیمت کل (ریال)
الف: خوراکی			
نان	۱۰۹۵	۲۶	۲۸۲۷۰
برنج	۹۱/۲	۸۵	۷۷۵۶
حبوبات	۲۶/۵	۱۱	۲۹۱۵
گوشت گوساله	۷۲	۲۰۰	۱۴۴۰۰
روغن نباتی	۲۶/۵	۳۲	۸۵۶
ماست	۷۲	۶۰	۴۳۲۰
پنیر	۱۸/۲	۱۸۰	۳۲۷۶
قند	۱۸/۲	۲۹	۵۲۷
شکر	۲۶/۵	۲۲	۵۸۶
چغندر	۷/۲	۵۰۰	۳۵۰۰
سیب زمینی	۷۲	۲۰	۱۴۴۰
اسفنج	۲۹۲	۲۰	۵۸۴۰
کوبه فرنی	۹۱/۲	۵۰	۴۵۶۲
سبب زمینی	۹۱/۲	۲۵	۲۲۸۲
میوه (سیب و پرتقال)	۲۹۲	۱۰۰	۲۹۲۰۰
جمع کل خوراکی			۱۲۳۰۸۲
ب: پوشاک برای مرد			
کت و شلوار رنگی پشمی	۱	۷۰۰۰	۷۰۰۰
پیراهن	۲	۸۰۰	۱۶۰۰
زیرپیراهن	۲	۲۰۰	۴۰۰
زیرشلوار	۲	۲۰۰	۴۰۰
جسوراب	۲	۷۰	۱۴۰
کفش	۱	۱۷۰۰	۱۷۰۰
پالتو زمستانی (هر سال یک عدد)	۱	۱۲۰۰	۱۲۰۰
پالتو (هر ۲ سال یک عدد)	۱	۸۰۰۰	۸۰۰۰
جمع پوشاک مرد			۱۵۵۸۰

با افت است. در چنین شرایطی است که وزارت کار از تعیین حداقل واقعی دستمزد کارگران امتناع می‌کند تا سرمایه داران صنعتی نیز بتوانند همچون تجار بقیه در صفحه ۱۲

زحمتکشان فشار می‌آورد، بیکاران و بی‌دریغ‌ها خانواده‌ها را یکا رگری شدت گرفته و از همین رویارویی آن‌ها نوا ده بیرونش تعداد کمتری از اعضای آن افتاده و سودویژه و دیگر مزایای کارگران به نصف تقلیل

افزایش دستمزدها، قطع اضافه کاری، استخدام بیکاران

بجای امپریالیسم، نوجوهای امپریالیسم!

Trade between Korea - Iran

A) By Korean Statistics.

(Unit : Million US\$)

Year	Export to Iran	Import from Iran	Balance
1974	48	30	18
1975	140	18	122
1976	157	172	A 15
1977	121	216	A 95
1978	164	169	A 5
1979	185	337	A 152
1980	623	650	A 27

* In 1980, Iran is No. 6 trade partner for Korea.

B) By Iran Statistics.

(Unit: Million US\$)

Year	Total Import of Iran (A)	Import from Korea (B)	B/A (%)	Ranking by Nation
78/79	10,372	76	0.74	18
79/80	12,000	180	1.5	10
80/81 (80.1-12)	8,400	500	6.0	7

C) Main Export Items to Iran from Korea in 1980.

(in Million US\$)

- o Fertilizer : 100
- o Textile Materials (Yarn, Fabrics) : 100
- o Tyre & Tube : 50
- o Chemical Materials : 30
- o Steel Products : 30
- o Paper and Woods : 30 etc.

سندی که ملاحظه می کنید مربوط به وزارت بازرگانی کره جنوبی است و قسمت A آن نشان می دهد که در سال گذشته طبق آمار کشور کره جنوبی ایران ۶۲۳ - میلیون دلار کالا ز کره جنوبی وارد کرد و ۶۵۰ میلیون دلار به آن کشور وارد کرد (که بدون شک تماما شامل نفت و فرآورده های آن است).

طبق آمار کره جنوبی، ششمین کشور طرف معامله با ایران بوده است.

در بخش B سند مزبور که طبق آمار ایران تنظیم شده، ایران در سال گذشته ۵۰۰ میلیون دلار کالا از کره جنوبی خریداری کرده، یعنی عددی را از احتیاجات خود را از این طریق تامین کرده، طبق آمارهای ایران، کره جنوبی هفتمین کشور طرف معامله با ایران بوده است.

این سندی نشان می دهد که پس از باصلاح تحریم اقتصادی، ایران به عوض این که مستقیماً از امپریالیسم آمریکا و سایر کشورهای تحریم کننده امپریالیستی کالای خود را از رژیم های دست نشانده، آن نظیر کره جنوبی کالای تهیه کرده، به طوری که کشور کره جنوبی در سال گذشته از نظر واردات از مقام هجدهم (نسبت به سال ۵۷) به مقام دهم (نسبت به سال ۵۸) ارتقاء یافته است. این میگوید مبارزه فدا امپریالیستی علیه وقتنی معامله با امپریالیسم شرقی را این مبارزه باشد، زیرا این کشور به قول بهزاد نبوی

گواهی ناد سالروز اعتصاب خونین کارگران نساجی قائم شهر

با سرنیزه و مسلسل سرکوب شدویک کارگر بنام (علی منانی) به شهادت رسید و بیش از هفتاد از مبارزین زخمی شدند و تعداد بسیاری از آنان دستگیر و زندانی گردیدند. رژیم کاخانه را بعدت یک هفته تعطیل کرد و عملاً در شهر حکومت نظامی برقرار نمود.

اگر چه رژیم مزدور شاه توانست اعتبار کارگران نساجی قائم شهر را بخون کشیده و سرکوب کند ولی تداوم مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران سرانجام به قیام - بهمن ۵۷ منجر شد. قیامی که رژیم مستور شاه را به زباله دان تاریخ سپرد. ولی از آنجا که کارگران و زحمتکشان ایران - در تشکیلات طبقاتی خویش متشکل شده اند و رهبری را بدست ندهند، ششاد انقلاب با دیگر بنا جمهوری اسلامی به قدرت رسیده و اکنون هر روز که میگذرد بیش از پیش کارگران و زحمتکشان در می یابند که نظام جمهوری اسلامی همانند تمام نظامهای سرما به داری، در عمل جز حیایت از منافع سرما به داران و سرکوب مبارزات کارگران و زحمتکشان و خلقهای ستمدیده ایران کاری نمیکند. همبای چنین درکی است که متقابلاً کارگران ایران با استفاده از تجربیات خونبار جنبش کارگری - کمونیستی ایران و جهان بسوی اتحاد و تشکل سراسری و سازمان یافتن در تشکیلات قدرتمند خویش گام بر میدارند تا بهتأ به طبقه کارگر، مصاف تا ریکساز با رژیم سرما به داری را خاتمه ببینند. خاطر شهادت کارگر قهرمان (علی منانی) اگر ارمیداریم و با درس آموزی از اعتصاب خونین کارگران مبارز نساجی برای تشکیل حزب انقلابی و رژیم آفریننده کارگر، گامهای سرنوشت ساز برداریم.

در هشتم تیر ماه سال ۱۳۵۴، در زمان دیکتاتور سیاه و سهمگین رژیم مزدور - شاه، اعتصاب کارگران مبارز نساجی قائم شهر (شاهی) با ریدگر با سرنیزه و مسلسل در هم کوبیده شد. کارگران مبارز نساجی (شاهی) که از سنت های دیرینه مبارزاتی برخوردارند و نمونه های درخشانی از مبارزات آنان در تاریخ جنبش کارگری میهن مان به ثبت رسیده است یکبار ریدگر در سال ۵۴ صفحه خونین دیگری بر صفحات تاریخ جنبش کارگری - میهن مان افزودند.

اعتصاب دروا و اخراج در ادامه شکل گرفت. کارگران به خاطر عدم پرداخت سودویزه از سوی کارفرما دست به اعتصاب دوروزه ای زدند و کارفرما را مجبور به پرداخت سود - ویژه کردند، اما از آنجا که کارفرما تمامی مبلغ سودویزه را پرداخت نکرده و همچنین مراجعات کارگران به اداره کار و سایر مراجع رسمی کشور نیز (مطابق معمول) شمری نداد، لذا کارگران یکبار چه و متعهد گردیدند از ظهر یکشنبه ۸ تیر ماه اعتصاب دوم - را آغاز کردند. بلافاصله بنا به درخواست کارفرما نیروهای سرکوبگر رژیم - کاخانه به روش بردندولی با مقاومت قهرمانانه کارگران مواجه شده و از - کاخانه فرار کردند. رژیم که به شدت به وحشت افتاده بود از شهرستانهای آمل، بابل، آمل و از پادگانهای شیرگاه - نیروهای کمکی سرکوب برای مزدوران - شاهی گسیل داشت. و از سوی دیگر، دانشجویان و دانش آموزان و زحمتکشان شهرهای مجاور به حمایت از کارگران - خاسته و در اطراف کارخانه صف شکوهمندی تشکیل دادند. دو نیرو در مقام بل هم صف - کشیدند و درگیری آغاز شد و تا پاسی از شب گذشته ادامه یافت. و بالاخره اعتصاب -

فاقد قدرت سیاسی است و "استعمارگر" نیست معامله با رژیم کره جنوبی که از نظر سیاسی تفاوت چندانی با رژیم شاه ندارد؛ به طریق اولی مجاز است!

بیش ح سندی نشان می دهد که از ۶۲۳ میلیون دلار کالای وارداتی از کره جنوبی، ۳۴۰ میلیون دلار شامل کود، منسوجات و الیاف، لاستیک و تیوب، مواد شیمیایی، محصولات فلزی، کاغذ و چوب است و بقیه آنرا "غیره" اسرار آمیزی تشکیل می دهد که میتوان حدس زد شامل اسلحه است. علاوه بر این فزونی آمار کره بر آمار ایران گویا حاکی از آن است که ۱۲۲ میلیون دلار اسلحه قاچاق از مبدأ کره جنوبی خریداری شده است. تنها مسی این کوششها جهت پرده پوشی اسرار بازرگانی است و تمامی رژیمهای ضد مردمی و ضد خلقی بخصوص عمال ملات اسلحه را از چشم مردم بدور می دارند تا - ماهیت واقعی خود را پنهان سازند.

عدالت به شیوه رژیم جمهوری اسلامی

چندی پیش در مسجد سلیمان برادر دکان یک نانواشی، اعلامیه ای به دست آمد که با زمان انقلابی چسبانده می شود. پاسداران از آن ناومی خوانند که اعلامیه را بکنند و راه کند. اما نا نواد بربر بر تحکم و شهیدان فرادسیاه مقاومت می کنند. پاسداران در برابر مقاومت نا نواد و کارگران خودشان اعلامیه را می کنند و برای اجرای "عدالت" به شورای آرد و نان شهر دستوری دهند از سهمیه روزانه نا نوای باغی ۱۵۰ کیلوگرم کم شود.

به این ترتیب مجربان عدل اسلامی به "جرم" اعلامیه ای که دیگران برادر دکان چسبانده اند، نا نواد و کارگران او را محکوم میکنند که کمتر بخت کنند و در آمد کمتری داشته باشند و در عین حال اهالی محل هم محکوم به این می شوند که نان خود را از نا نوای دیگری تهیه کنند! پاسداریان بلخ بخیر!

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است



۵۰ میلیون تومان هزینه ایجاد زندانهای جدید!

اعتراض به شرایط سخت کار و افزایش دستمزدها سودویزه و سایر خواستها به بند کشیده شده اند بقیه زندان نیسان بجرم دزدی، قتل، فحشاء، قاچاق مواد مخدر دستگیر شده اند و البته تعداد کمی نیز وابستگان رژیم گذشته می باشند که با قول همکاری با رژیم کنونی و توبه از خطایتهای پیشین و مکتبی شدن، بصف خاکمان کنونی می پیوندند و این دسته که دوره پشیمانسی را می گذرانند علاوه بر ملاقاتهای حضوری امکان سرکشی به خانه خویش را نیز دارند!

مسئولین زندانها گرچه سعی میکنند چنین وانمود سازند که افزایش زندانها برای بهبود شرایط زندانیان صورت گرفته اما مجبور به اعتراف اند که تعداد زندانیان نیز زیاده تر شده است.

هرکسی پوشیده نیست که علت افزایش بی سابقه دزدی و فحشاء و غیره ارتباط مستقیم با افزایش بیگاری - گرانی و هزینه های سرمایه آوری و زندگی دارد. هنگامیکه سرپرست خانواده قادر نیست حتی لقمه نانسی برای سپردن شکم فرزندان بدست آورد نظام سرمایه داری فرهنگ منحط این نظام اورا به جانب فحشاء و دزدی سوق می دهد و اکنون رژیم جمهوری اسلامی نه تنها قدمی جهت حل مسائل توده ها برنداشته بلکه تنها با گسترش زندانها و دستگیری و اعدام و یا محکومیت آنان سعی دارد با اینگونه جرائم که محصول نظام طبقاتی است مبارزه کند اما دزدان واقعی جامعه یعنی سرمایه داران و بزرگ مالکان را که از طریق استثمار خلق زحمتکش میلیونها تومان به جیب می زنند آزاد می گذارد، تاجر بزرگ رازها می کند و فروشنده گان جزء را محکوم می سازد و بالاخره نزد بهای کلانی نظیر ۵۶ میلیون دلار برای ارزش می نامد. اینست شیوه مبارزه رژیم کنونی با مسائل اجتماعی رژیم جمهوری اسلامی. میخواهد با معلول مبارزه کند نه با علت چرا که مبارزه با علت یعنی نفی نظام طبقاتی که البته رژیم جمهوری اسلامی مدافع آنست.

اما در انقلابی نظیر سیستم و کوبا در دیگر کشورهای انقلابی همه گونه ای دیگر با اینگونه جرائم برخورد شد آنان ضمن مبارزه با نظام طبقاتی و استقرار سیستم سوسیالیستی یعنی درم شکستن علل و زمینه های اجتماعی دزدیها، فحشاء، قاچاق و غیره بسا گشودن آموزشها و تعلیم آمویش فرهنگ سوسیالیستی و انقلابی بتدریج زندانها را برچیدند مسئله بیگاری را حل کردند و با فراهم آوردن امکانات رفاهی زمینه های اجتماعی بروز جرم را درهم شکستند.

رایکا ر گرفته ۱۸۰ زندان نیمه تمام آن رژیم را نیز تمام کرده و آمساده بهره برداری نموده، بلکه ۹ زندان دیگر نیز در طرح آتی خود دارد که اگر ظرفیت حداقل زندانها را محاسبه کنیم با پدازه هر ۱۰۰۰ ایرانی یکی را به بند کشند.

مثلی است معروف که هر مدرسه که بسته می شود زندانی گشوده می گردد و اکنون شاهد تحقق آنیم. بجز زندانیان سیاسی که بخش عظیمی از زندانیان را تشکیل می دهند بجرم فروش شربت ها و ساقیها و انقلابی بی اثر که در میتینگ ها و تظاهرات و اعتراضات کارگری و سیاسی

در میانهای که با شورای سرپرستی زندانها از سوی کیهان صورت گرفته و در تاریخ ۱۲ اردیبهشت بهای پرسید از جمله مسائلی که مورد بحث قرار گرفت طرح اختصاص ۲۰۰ میلیون تومان بودجه برای زندانهاست که از این پول حدود ۵۰ میلیون تومان یعنی نیمی از آن تنها صرف گسترش و ایجاد زندانهای جدید می شود و به همین میزان نیز صرف استخدام مراقبین تربیتی و انتظامی می گردد. جالب است اینکه این هزینه جدا از هزینه های است که تاکنون صرف اتمام زندانهای نیمه تمام شده است زیرا در این معاهده گفته می شود که احداث ۹ زندان جدید در ۱۲ ماه ۶۰ منظور شده ۱۸۰ دستگاه زندان هم اکنون آمساده بهره برداری است!

با این حساب گویا رژیم جمهوری اسلامی نه تنها زندانهای رژیم گذشته

افزایش دستمزدها متناسب با افزایش قیمتها

بقیه از صفحه ۱۲

سودهای ۱۲۰۰ میلیارد تومانی ببرند. در هر حال با آن که قانون کارسال ۲۹ اما با مورد تأکید کارگران نسبت به این تا تدوین قانون جدید، حداقل دستمزد براساس جدول یا دنده تعیین و اعلام شود. شکی نیست که این جدول شامل حداقلها نیز خواهد بود و اینها را بر روی کارگران نیست و کمی بود. های فراوان دارد. برای بی بردن به کمی بود های آن که نیست بیاد آوریم که این جدول در زمان رژیم فدکا رگری جمهوری تدوین شده است. به عنوان مثال طبق این جدول هر خانوار کارگر فقط چهار نفر (شامل مرد، زن، و دو فرزند) منظور شده، در حالی که حتی طبق آمار دولتی تعداد افراد هر خانوار ۱۲ نفر است. و با اینها برای جدول فرزندان کارگران حق داشتن اسباب بازی و پول توجیبی ندارند و به عنوان شوک نیز فقط می توانند سالیک جفت کفش و هر چهار ماه یک جفت جوراب بپوشند و برای سکونت خانوار کارگر فقط یک اتاق و بستن منظور شده و در لیست غذا از کره، مرغ و تخم مرغ در لیست پوشاک از دستکش و شال و دمپایی غایب نیست.

با این وجود بنابر همین جدول و براساس قیمت های جاری، حداقل دستمزد کارگران برای سال جاری باید ۱۲۰۰۰۰ ریال باشد و کارگران برای حفظ سطح زندگی ابتدای سال ۵۸ خود، برای قانونی شدن این رقم از طریق تشکل های انقلابی خود مبارزه خواهند کرد. مبارزه برای افزایش دستمزد متناسب با افزایش قیمتها - بخشی از مبارزه علیه نظام سرمایه داری است.

اکنون که تمامی نیروهای انقلابی براساس محاسبات مبتنی بر جدول مذکور به این نتیجه رسیده اند که حداقل دستمزد کارگران باید حدود ۱۲۰۰۰۰ ریال باشد - سازمان ما به همه نیروهای انقلابی و تشکل های کارگری پیشنهاد می کند مبارزه خود را برای تحقق این حق حداقل هماهنگ و متمرکز کنند.

شرح	مقدار	شرح	مقدار
حق بیمه روزانه	۲۰۰	حق بیمه روزانه	۲۰۰
حق بیمه سالانه	۶۰۰۰	حق بیمه سالانه	۶۰۰۰
حق بیمه ۳۰ روزه	۶۰۰	حق بیمه ۳۰ روزه	۶۰۰
حق بیمه ۱۵ روزه	۳۰۰	حق بیمه ۱۵ روزه	۳۰۰
حق بیمه ۷ روزه	۱۵۰	حق بیمه ۷ روزه	۱۵۰
حق بیمه ۳ روزه	۷۵	حق بیمه ۳ روزه	۷۵
حق بیمه روز	۲۵	حق بیمه روز	۲۵
حق بیمه نصف روز	۱۲	حق بیمه نصف روز	۱۲
حق بیمه ربع روز	۶	حق بیمه ربع روز	۶
حق بیمه شش ساعت	۳	حق بیمه شش ساعت	۳
حق بیمه سه ساعت	۱	حق بیمه سه ساعت	۱
حق بیمه یک ساعت	۰	حق بیمه یک ساعت	۰
حق بیمه نیم ساعت	۰	حق بیمه نیم ساعت	۰
حق بیمه ربع ساعت	۰	حق بیمه ربع ساعت	۰
حق بیمه هشتاد و دو دقیقه	۰	حق بیمه هشتاد و دو دقیقه	۰
حق بیمه شصت دقیقه	۰	حق بیمه شصت دقیقه	۰
حق بیمه پنجاه و پنج دقیقه	۰	حق بیمه پنجاه و پنج دقیقه	۰
حق بیمه پنجاه دقیقه	۰	حق بیمه پنجاه دقیقه	۰
حق بیمه چهل و پنج دقیقه	۰	حق بیمه چهل و پنج دقیقه	۰
حق بیمه چهل دقیقه	۰	حق بیمه چهل دقیقه	۰
حق بیمه سی و پنج دقیقه	۰	حق بیمه سی و پنج دقیقه	۰
حق بیمه سی دقیقه	۰	حق بیمه سی دقیقه	۰
حق بیمه بیست و پنج دقیقه	۰	حق بیمه بیست و پنج دقیقه	۰
حق بیمه بیست دقیقه	۰	حق بیمه بیست دقیقه	۰
حق بیمه هیزده دقیقه	۰	حق بیمه هیزده دقیقه	۰
حق بیمه دوازده دقیقه	۰	حق بیمه دوازده دقیقه	۰
حق بیمه یازده دقیقه	۰	حق بیمه یازده دقیقه	۰
حق بیمه ده دقیقه	۰	حق بیمه ده دقیقه	۰
حق بیمه نه دقیقه	۰	حق بیمه نه دقیقه	۰
حق بیمه هشت دقیقه	۰	حق بیمه هشت دقیقه	۰
حق بیمه هفت دقیقه	۰	حق بیمه هفت دقیقه	۰
حق بیمه شش دقیقه	۰	حق بیمه شش دقیقه	۰
حق بیمه پنج دقیقه	۰	حق بیمه پنج دقیقه	۰
حق بیمه چهار دقیقه	۰	حق بیمه چهار دقیقه	۰
حق بیمه سه دقیقه	۰	حق بیمه سه دقیقه	۰
حق بیمه دو دقیقه	۰	حق بیمه دو دقیقه	۰
حق بیمه یک دقیقه	۰	حق بیمه یک دقیقه	۰

دو روز تعطیل، ۴۰ ساعت کار در هفته، حق مسلم کارگران است



از میان رفقایمان تنها رفیقی که در دوران قبل از مرگش لقب کبیر گرفت او بود

می‌وزد ربک کوروا و اتور بسم انقلابی را مردود می‌شمارد. او می‌گوید: "هیچ نظری برای چریک نبود سرنوشت نیست، چریک می‌جنگد، بخاطر آنکه دژ توده‌ها را تسخیر نماید و برای تسخیر این دژ مبارزه‌ای طولانی، پرحوله و قدم‌بندم لازم است، فربه زدن به دشمن گامی در این جهت بشمار می‌رود" اما "طرحی که بود و نبودن آن را مشخص می‌کند و نوعی طرح سرنوشت محسوب شود مردود است."

رفیق با چنین برداشت‌ها بی‌اظم انقلاب رهبری بزرگ برای ما زمان ما بود. رفیق برخلاف ادعای کمیته مرکزی چریک‌ها، خائن نه تنها یک پرا تئیسین کبیر بلکه همچنین یکی از برجسته‌ترین تشویب‌سین‌های جنگ انقلابی در میهن ما بوده.

رفیق حمید با جمع‌بندی عملی که از حرکت سه ساله آغازین ما زمان ارائه داد، به درستی نظریه‌کا نون را که علمبرفم‌نفسی ظاهری ن همچنان روسپا تش برینش ما زمان در آن مقطع نشسته بود رد کرد.

رفیق در رابطه با تبارب مرحله اول مبارزه انقلابی ما زمان می‌نویسد: "فنا را کلا" ما" سیاسی کردیم و ما میدها را ازنده ساختیم، جا نیا زیر ققایما و قهرمان نیهای آنها از زبانی در اینجا در وحیه رزمنده در مردم باقی گذاشت، با لافش نیروهای زبانی را تقریباً "بلافاصله برای همگاری با جنبش از لحاظ معنوی آما ده نمود... اتوریته و شخصیت دشمن لگدکوب چریکها شد. قدر قدرتی دشمن درهم شکسته شد و این امر بسیار مهمی بود... ما تقریباً سه اولین هدف خود رسیده بودیم. وقت آن بود که با استفاده از اثبات اثبات آنها به ما زمان دهی بپردازیم و دست آوردها - بمان را عملاً تثبیت کنیم. در آن دوره - حفظ نیروهای خودی و فربه‌نخوردن و عقب نشینی تاکتیکی خود پیروزی بزرگی محسوب می‌شد. هر هفته که میگذاشت دشمن موفقی به او در کردن فربه به ما نمیشد، روحی رزمنده مردم بیشتر او می‌گرفت، و لایسی ما بی‌میلاتی کردیم و به دشمن اجازه دادیم بقیه در صفحه ۱۶

از طرح شدن یک ایده می‌بایست اسلوب - مناسب و عملی برای اجرای آن را ارائه کرد وگرنه طرح ایده‌ها بدون ارائه اسلوب - عملی کار بی‌فایده است... بسیاری از فعالین گروه‌های سیاسی صرف و بی‌عمل فکری می‌کنند که با ارائه طرح‌های بسیار خوب و جالب کار تمام است... اینها چون هیچ‌گاه به طرح‌هایی که میدهند عمل نمی‌کنند، متوجه این هم نمی‌شوند که ارائه طرح‌های کوچک از تحقق یک برنامه است... و این یکی از بیماریهای روشنفکران است. وقتی طرحی میدهند تحقق آن را حتمی فرض کرده و بلافاصله ب فکر طراحی مرحله بعدی می‌افتند و این کار را همچنان ادامه میدهند و در آخر شا هد پیروزی را در رویاهای رومانتیک خود در آغوش می‌کشند."

رفیق اساسی ترین منطقی ما رکیبیتی را در ملاک حقیقت بودن عمل میداند. او در بر خورد به اپورتونیستهای خائنی که مبارزات انقلابی ما زمان را با انگشت گذاشتن به خطاهای تاکتیکی تخطئه می‌کنند، تصریح می‌کند، با بد توجه داشتند با شیم که بسیاری از مسائل که امروزه - روشن و واضح به نظر می‌رسند، "معما های حل شده‌ای هستند که آسان شده اند و این مسائل در هنگام وقوع آن چنان ساده نبود و با زهم تجربه لازم بود که اشکالات را نمایان - سازد. هرگز بدون تجربه و عمل و ارتکاب اشتباهات نمی‌توانستیم رشد کنیم، تاریخ تمام انقلابات نشان میدهد، که چگونه جنبش‌ها افت و خیز بسیار داشته اند و تا چه حد مرتکب اشتباهات بزرگ و کوچک شده‌اند و آسیب‌های بزرگ و کوچک دیده‌اند و لایسی پس از بروز شکست ها

مجدداً "بر سر پا بر خاسته‌اند، و آسیب‌ها با برقراری یک مفهوم "انتقاد از خود" - جبران کرده، جنبش انقلابی را از نو بر پا داشته‌اند و با بهره‌گیری از تبارب عملی - پیگیری از خطاهای گذشته به پیش تاخته - اند و از میان صدها شکست پیروزی فریده - اند

رفیق در همین آنکه بر ضرورت عمل برای دست‌یابی به تجربه انقلابی تاکید

رفیق حمید مظهر انسان کمونیست دوران ما، تجلی اراده خلل ناپذیر، خشم طوفانده و شکوه عواطف رفیق و دقت نظر کمونیستی بود. او قلبی گرم و مغزی سرد برای اندیشیدن داشت. برای عشق به توده‌ها برآستی او از نیا رویزه‌ای بود.

رفیق مبارزه انقلابی و زندگی مبارزاتی را عهدی سرشار از زنجیرها و مشقت‌های دشوار و طولانی و در عین حال زیبا و دوست داشتنی میدانست و بسیار بر ضرورت آشنا شدن و خو گرفتن با واقعیت‌های سر سخت و بیرون آمدن از - رما نتسیم انقلابی پای می‌فشارد و در این امر به تجربه شخصی ما زمان نیز قویا " تا کید داشت. رفیق در جمع‌بندی سه ساله از مبارزات ما زمان می‌گوید: "مهمترین صفت بی‌تجربگی ما بود... ما می‌خواستیم زود به نتیجه برسیم و این ناشی از بی‌تجربگی بود. ما زمان کافی برای تحقق بخشیدن به طرح‌ها و آروزهای سیاسی خود در نظر نمی‌گرفتیم. ما می‌خواستیم تمام چیزها را که سالها در خفا آرزویش را داشتیم در عرض چند هفته با چند ماه به دست آوریم و طبیعی بود که این امکان نداشت و در جای دیگر همان کتاب در تا کید بر واقع‌نگری انقلابی خطا بیه نظریه پردازان بی عمل چنین می‌گوید:

"طرح‌های ایده‌آر زوهر قدر هم که ضوری تشخیص داده شود، بدون ارتباط با امکان عمل ما زمان چیزی حاصلی است. پس

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست



یورش جدید وزارت کار

به شوراها تحت عنوان 'قانونی کردن'

نماینده وزارت کار به کارخانه می‌رود و درخواست می‌کند که از کارگران رای گرفته شود که آیا حاضرند نماینده وزارت کار در انتخابات شوراها داشته باشند یا نه. نتیجه رای گیری با اکثریت قاطع کارگران به مخالفت با نظارت نماینده وزارت کار منتهی می‌شود.

اما سیاست دشمنی با شوراها در این جا خاتمه نمی‌یابد. اگر در کارخانه‌ای کارگران توانستند از این موانعی که وزارت کار بر سر راه انتخابات ایجاد می‌کند بگذرند آنگاه وزارت کار رمدعی می‌شود که شورای کارخانه را به رسمیت نمی‌شناسد.

آری وزارت کار جمهوری اسلامی میخواهد شوراها بی تشکیلدهندگان نمایندگان آن اولاً: موردناشده انجمن اسلامی در کارخانه باشند ثانياً: بسا ایجاد جوهر و تزلزل و خفقان در کارخانه. جات بهر کار اندی برای دیگران قبل از بره - کزاری انتخابات برکنار کنند و اگر نتوانستند انتخابات شورا را لغو نمایند. وزارت کار جمهوری اسلامی میخواهد شوراها بی تشکیل دهنده نمایندگان آن در چهار رچوب قوانین و بخشنامه - مه های ضد کارگری این وزارتخانه عمل کنند و بجای کنترل و نظارت بر کار مدیران، مطیع و فرمانبردار آنها باشند. اعمال و حرکات کارگران را زیر نظر داشته باشند و نمایندگان کارگران و در جهت حقوق واقعی شان مبارز نکنند. آری وزارت کار به چنین شوراها پیسی "شورای قانونی" میگوید.

کارگران پیشرو و انقلابی باید به - افشاکری هر چه وسیعتر اعمال ضد کارگری وزارت کار و از جمله به دخالت آن ها در انتخابات شورا، دست زنند. آنها ضمن این افشاکری باید به مقابله با طرح هیئت موسس که وزارت کار در درون کارخانه ها میخواهد ایجاد کند بر خیزند و با افشای این طرح ضد کارگری، کارگران را بسیج کنند و با تبلیغ حول تشکیل مجمع عمومی و انتخاب هیئت نظارت بر انتخابات از میان توده کارگران، وزارت کار رژیم جمهوری اسلامی را به عقب نشینی وادارند. کارگران پیشرو باید اهمیت انتخابات آزاد و دمکراتیک را در کارخانه - نجات هر چه بیشتر بین توده کارگران تبلیغ کنند و توضیح دهند که نمایندگان شورا برای مستقیم و مخفی کارکنان کارخانه تعیین شده و به وسیله همانها نیز مستقیماً عزل خواهند شد. هیچ مقام و مرجع دیگری حق ندارد افراد مورد تا شد خود را به کارگران تحمیل کند و با نمایندگان کارگران را عزل نماید و بالاخره کارگران پیشرو باید اینرا بگویند، تکرار کنند و باز هم تکرار کنند که شوراها شبکه توسط اکثریت کارگران یک کارخانه و توسط خودشان انتخاب شده اند، نمایندگان به حق کارگران - بوده و وزارت کار موظف است آنها را به رسمیت بشناسد.

کارگران میتوانند انتخابات کنند، و با عضویت یک نماینده وزارت کار در این هیئت می‌کوشند تا به هدف خود دست یابند. آنها می‌گویند: این هیئت با بد صلاحیت کاندیداهای مورد نظر کارگران را تا شد کند. وزارت کار با این موانع می‌کوشد از کاندید شدن کارگران پیشرو و انقلابی و نمایندگان مورد اعتماد کارگران جلوگیری نماید. برای پیشبرد این مقاصد انجمن های اسلامی کارخانه جات با توسل به شیوه تفتیش عقاید و جاسوسی، ابتدا کارگران پیشرو و انقلابی و با نمایندگانی که در دوره های گذشته در جهت منافع کارگران عمل کرده اند، شناسایی کرده و به وزارت کار جمهوری اسلامی معرفی می‌کنند. مدیران کارخانه جات نیز با همکاری انجمن های اسلامی و تا شد وزارت کار قبل از اینکه در کارخانه جات مسئله انتخابات شورا در دستور کار قرار گیرد، با تمام قوا سعی در اخراج کارگران پیشرو و انقلابی می‌کنند. از جمله در گروه صنعتی کفش ملی قبل از آن که جریان انتخابات شروع شود تعداد زیادی از نمایندگان شورای مرکزی - وعده زیادی از فعالین کارخانه - دستگیر و اخراج و زندانی شدند. در یکی از واحدهای گروه صنعتی کفش ملی (استاندارد)، آنها پس از اینکه اغلب نمایندگان شورای مرکزی را دستگیر و زندانی و اخراج کردند، مسئله انتخابات شورا را مطرح کردند. اما کارگران متحداً اعلام نمودند که تنها نمایندگان اخراجی را به عنوان اعضای شورا انتخاب می‌کنند.

کارگران پیشرو باید اینرا بگویند: تکرار کنند و باز هم تکرار کنند که شوراها - شبکه توسط اکثریت کارگران یک کارخانه و توسط خودشان انتخاب شده اند. نمایندگان به حق کارگران بوده و وزارت کار موظف است آنها را به رسمیت بشناسد.

در کارخانه جات پارس الکتریک نماینده وزارت کار برای نظارت بر انتخابات به کارخانه می‌رود. کارگران در یک مجمع عمومی دست به افشاکگری علیه نماینده وزارت کار زده و او را از کارخانه بیرون می‌کنند. با ردیگر

از آغاز سال ۶۰ مسئله انتخابات شوراها و مبارزه برای تشکیل شوراها بطور سراسری در اغلب کارخانه جات اوج گرفته است. کارگران که در پی مبارزات خود بتدریج بی می‌برند که تنها با ایجاد و حفظ تشکلهای شورایی قادر خواهند بود از حقوق واقعی خود دفاع کنند، به گیرانه برای انتخاب نمایندگان که در جهت منافع آنان کاملاً مورد اعتماد و رندتلاش می‌کنند. تا ما رژیم جمهوری اسلامی که نتوان از - با سخگوشی به خواسته های حداقل بنوده کارگران است و در هر قدم در جهت تامین منافع سرمایه داران و تجار کامیون - میدارد، در مقابل جنبش کارگری، - سیاست سرکوب گسترده و بی ایمان را بر گزیده است. یکی از اهرم های پیشبرد این سیاست سرکوب، وزارت کار رژیم جمهوری اسلامی است. وزارت کار بعد از گذشت بیش از دو سال با آنگاه به قانون کارخانه ها با زوری نیرومندی برای سرمایه داران و دولت های حامی آنان در جهت غارت و استثمار هر چه بیشتر توده کارگران بوده است. هنوز هم با چماق ماده ۳۳ قانون کارخانه ها و کمیته های داوری و با شورای حل اختلاف، زمینیه قانونی اخراج کارگران را فراهم میکند. این وزارتخانه در این دو سال دمی از دشمنی با شوراها و کارخانه دست بر نداشته است. وزارت کار رژیم جمهوری اسلامی که مانند سایر ارگان های حکومتی پس از قیام در صدد انحلال شوراها - کارخانه جات بود، پس از ناتوانی در این زمینه، سیاست فرمایشی کردن شوراها را در دستور قرار میدهد. و اکنون بدنبال همین سیاست با توسل به حيله "قانونی کردن" شوراها، اهداف سرمایه داران را تعقیب می‌نماید. در شرایط کنونی وزارت کار با همکاری مدیریت کارخانه و تلاش به گیرانجمن های اسلامی در مقابل انتخابات آزاد و دمکراتیک در کارخانه - جات ایستاده است. هر جا که مسئله برگزاری انتخابات با مجدد شوراها مطرح میشود، وزارت کار تحت عنوان نظارت بر انتخابات و رسمی کردن نمایندگان شورا وارد عمل میشود. آنها از یک سو با طرح خواسته های می‌کوشند از کاندید شدن نمایندگان که مورد اعتماد کارگران هستند جلوگیری کنند و اگر در این مرحله موفق نشوند آنگاه با پیش کشیدن هیئت موسس که اعضای آن را فقط ده درصد

از جنگ ارتجاعی زحمتکشان بیزارند دو میلیون آواره، نان، مسکن ندارند

خبرهایی از جنبش مقاومت خلق کرد

بقیه از صفحه ۱۹

بعد از این ضربه، نیروهای سرکوبگر که خود را در مقابل عزم و اراده خلق کرد حقیر می بینند و برای جبران شکست های خود دست به هر عمل بی شرمانه و جناحیت با ری می زنند، از جمله روز جمعه بیست و دوم خرداد، روستای دارلک را به آتش می کشند.

درگیری پیشمرگان فدائی در مرپوان با سرکوبگران خلق کرد

در روز دوازدهم خرداد عده ای از ارتشیان، جاها و پاداران به قصد سرکوب مردم اطراف مرپوان و اصلاح با کسای روستای گورگتسی و احمدآباد در ۲۵ کیلومتری مرپوان به سمت این روستا حرکت می کنند. هنگامی که این خیریه پیشمرگان فدائی می رسد گروهی از آنان به سمت روستا حرکت نموده و درگیری با نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی شروع می شود. سپس از مدتی پیشمرگان حزب دمکرات به کمک پیشمرگان فدائی آمده و درگیری دو ساعت و نیم به طول می انجامد. منطبق اعلامیه ای که تشکیلات مرپوان انتشار داده، در این درگیری، چهار راجا و شش پادار ارتشی کشته و عده ای زخمی می شوند و سرکوبگران عقب نشینی می کنند.
(نقل از سومین شماره خبرنامه بیوکان)

گرامی باد خاطر و مجاهد شهید رضاشائی

بقیه از صفحه ۲۰

وا ز خلق دفاع کرد و قهرمانان به شهادت رسید.

رژیم جمهوری اسلامی ردیلانه در روزی نا مه هایش سعی دارد با درج خبر سالگرد شهادت این مجاهد روز منده، او را از زمان مجاهدین که هم اکنون مبارزات درخشان این روز منندگان را دنبال می کنند مجازاً سازد و حال آنکه این عزیزان در دست به دلیل همین اختناقها، سرکوبها و کشتارها که رژیم کنونی نیز با دست میزند به مبارزه برخاسته و سازمان مجاهدین خلق نیز با او می باشد. در حالی که خانواده رضاشائی که ۴ شهید به پیشگاه خلق قهرمان ایران تقدیم کردند تحت شدیدترین تضییقات و فشارها از جانب رژیم سرکوبگر کنونی قرار دارند.

اکنون توده ها پیدا شدند و شبها در رژیم را با ورندها و بمباران خود برای همان دستاورد هائی که بخاطر آن صدها رضائی را از دست دادند ادامه خواهند داد.

خبر کوتاه بود، اعدامشان کردند

هموطنان مبارز! زحمتکشان ایران!

بار دیگر دست جلادان رژیم جمهوری اسلامی بخون فرزندان خلق آلود شد، وطنی دو کشتار دسته جمعی ۲۳ تن از فرزندان راستین خلق در برابر جوخه اعدام دژ عیمان رژیم قرار گرفتند.

رژیم جمهوری اسلامی دیوانه وار و هار، خمر به کشتار رتوده های مردم و فرزندان انقلابی آنها بسته است. هنوز چند روزی از کشتار جناحیتکارانسه، کارگران شهرک صنعتی البرز، بدست پاداران مزدور سرما به و شنبه خونین تهران نگذشته بود که بخاطر چند ساعت خیرا اعدام ۲۳ تن از فرزندان انقلابی خلق، فدائیان خلق، مجاهدین خلق و انقلابیون دیگر بدست دژ عیمان رژیم منتشر شد. در میان آنها می اعدام شدگان نام انقلابیون سرشناسی چون فدائی خلق، سمید سلطانی، نپورشا عرو هنر مند انقلابی، محسن فاضل روز منده انقلابی که مدت ها علیه رژیم شاه و دژ او شاد و شاد خلق قهرمان فلسطین علیه دشمن صهیونیستی اسرا شیل جناحیتکار رها کرده، دیده می شود.

نظیر این جنایات هولناک جمهوری اسلامی، این کشتارهای دسته جمعی این اعدامهای بدون محاکمه را تنها در رژیمهای فاشیستی، هیتلر و فرانکو، در رژیمهای فدخلقی و مرتجع آرزانتین، رژیم مزدور شاه میتوان سراغ گرفت. اما رژیم جمهوری اسلامی در جلادی و قساوت گوی سبقت را از بسیاری رژیمهای فاشیستی نیز برده است.

کدام رژیم فاشیستی کودکان ۱۴ تا ۱۵ ساله را بجوخه اعدام می سپارد؟ - کدام رژیم فدیشی را در دنیا میتوان سراغ گرفت که دختران محفل را بر کبار مسلسل بندد و اعدام کند؟ کدام رژیم فاشیستی این چنین بی محابا دست به اعدامهای دسته جمعی بدون محاکمه میزند؟

این اعدامها، این وحشیگریها و این جنایات هولناک رژیم جمهوری اسلامی نه تنها بیانگر ما هیت ارتجاعی، فدخلقی و ضد بشری این رژیم است بلکه در عین حال اوج در مانندگی، بوسیدگی، انحطاط و ضعف رژیم را نشان میدهد که آخرین لحظات حیات تنگینش را میگذارد.

رژیمهای ضد مردمی هنگامی که آخرین لحظات حیات خود را نزدیک می بینند، دیوانه وار بر جناحیت متوسل می شوند، تا بخاطر خام خود شایسته چند روزی دیگر بحیات تنگینشان ادامه دهند.

رژیم مزدور شاه نیز در آخرین لحظات عمر تنگینش در دست بهمین شیوه ها متوسل می شد، اما دیدیم که قدر این تلاشها مذبحها نه بود و نتوانست بگ لحظه رژیمش را از سقوط حتمی نجات دهد. بنا بر این جنایات رژیم جمهوری اسلامی و اعدامهای دسته جمعی نه دلیل قدرت دژ عیمان جمهوری اسلامی، بلکه دلیل ضعف، در مانندگی و ناتوانی رژیم است که مدام در سراشیب انحطاط و سرنگونی دست و پا میزند. تردیدی نیست که سرنگونی هولناک تراز رژیم مزدور شاه، در انتظار دژ عیمان جمهوری اسلامی است. خلق انتقام فرزندان خود را از این جناحیتکاران نیز خواهد گرفت و رژیم جمهوری اسلامی را در کنار رژیم سلطنتی شاه بگورستان تاریخ خواهد سپرد.

مانند دژ او شاد و شاد خلق، و استوار تر و بیگمتر از همیشه به نبرد علیه رژیم اختناق و سرکوب، علیه استعمار و ستیمبار رژیم خود ادامه خواهد داد و ما هم داد و ایستادن جنایات را بی جواب نخواهیم گذاشت.

گرامی باد ابا ۲۳ تن شهید بخون غخته خلق که بدست دژ عیمان رژیم جمهوری اسلامی شهادت رسیدند.

یادشان گرامی و راه پر افتخارشان جاویدان باد

آزادی سیاسی تامین، باید گردد، شورای انقلابی ایجاد باید گردد

ناسداران سرمانده راهسنانی کارگران قهرمان شهر صنعتی البرز را خون کسندند

بقیه از صفحه ۱

ما چرا چه بود؟
در تاریخ ۲۵ خرداد سپاه پاسداران - شهر صنعتی اطلاعیه‌ای صادر نمود و در آن در همین اعلام سخنرانی استاندار در روز ۲۷ خرداد ماه - بر طبق روش همیشگی رژیم که برای سخنرانی‌ها و راه‌ها همیشه پیش از طریق بخشنامه و اطلاعیه نیروها را مجبور به آمدن میکند - تمام کارخانجات را موظف داشته بود تا کارگران خود را از ساعت یک بعد از ظهر به سخنرانی بفرستند. مخالفت کارگران با حضور اجباری در سخنرانی از همان ابتدا شکل گرفت. و حتی حدود ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر قبل از ظهر مرضی گرفته از کارخانه‌ها خارج شدند.
در ساعت یک کارگران از کارخانجات بیرون آمدند اما به سخنرانی نرفتند. در این هنگام بود که نطقه‌های حرکت اعتراضی از سوی کارگران بزادن شعار "مرگ بر پهنی - درود بر پهنی" در پی آمد. پس از جمع شدن کارگران شعارها به سرعت به "اتحاد - اتحاد - اتحاد" کارگران اتحاد زگرانی، بیکار رینا بودیا بدگردد" و ... بدل شد. کارگران که تعدادشان به ۲۰۰۰ نفر میرسد پس از مغروب کردن فرمانده سپاه پاسداران شهر صنعتی که قصد داشت آنها را پراکنده کند تصمیم گرفتند بسوی نزوین دست به راهپیمایی بزنند. بیست

از ۵۰۰ کارگر مبارز با شعار کارگران - اتحاد، اتحاد و "مرگ بر پهنی" روانه نزوین شدند. پس از رسیدن سیل خروشان کارگران به جاده اصلی نزوین تهران - عده بسیاری از کارگران کارخانجات - "فرخ" و "تازخ" نیز که با خبر شده بودند به آنان می‌پیوستند.

راهپیمایی پر شکوه کارگران بسوی نزوین ادامه می‌یابد اما در مقابل پمپ بنزین پیش از آنکه به جاده اصلی نزوین راه یابند کارگران قرار گرفته، انسان راه‌برگبار می‌نهند. کارگران پس از مدتی مقاومت به باغات و کارخانجات اطراف جاده پناه می‌برند و سعی می‌کنند به طریق خود را به شهر برسانند. اما پاسداران به کمک فیلدها اقدام به دستگیری و سنج کارگران می‌کنند.

حرکت گسترده و یکپارچه کارگران قهرمان شهر صنعتی البرز نشان‌دهنده است از خیزش کارگران در مقابل سیاستهای ضد خلقی - رژیم جمهوری اسلامی و کارگران مبارز شهر صنعتی البرز همچون بسیاری از دیگر کارگران سراسر ایران، بدرستی درک کرده‌اند که رژیم جمهوری اسلامی پیش از دو سال حا کمیت با حمایت از سرمایه داران و زمینداران و با ممانعت و نزدیکی با امپریالیسم چیزی جز فقر، گرانگسی،

بیکاری، کمپانی‌بازی، بخت‌چا ولیه، جنگ آوارگی برای زحمتکشان بی‌ارز و بدامت، کارگران بدرستی در بافته اند که رژیم جمهوری اسلامی در مقابل توده‌ها قرار دارد. سرکوب، خفقان، اختناق و اعمال سانسور سیاه فقط و فقط برای جلوگیری از رشد انقلاب مبارزات توده‌ها، جلوگیری از رشد انقلاب و حمایت از منافع سرمایه داران زمین داران است. و همین کارگران مبارز در بافته اند که تنها و تنها عمل مستقیم آنهاست که میتواند خواسته‌های مردم را برآورده سازد و حقوق مسلم آنها را از حلقوم سرمایه داران و حامیان بیرون بکشد. و این حرکت یکپارچه کارگران - شهر صنعتی البرز در مقابل فشار، سرکوب و اعمال زور و فیل نویسی زوروی وری به "عمل مستقیم" و "مقا بله" آنان با رژیم جمهوری اسلامی و نهادها و مرکوبگرش است. همه‌انگونه که گسترش حرکات اعتراضی توده‌ها در هفته‌های اخیر، اعتراضات، تظاهرات، درگیری با نیروهای سرکوبگر و ... نشان‌دهنده‌ای از و جگر نویسی جنبش خلق است که حرکت یکپارچه کارگران شهر صنعتی نیز از پهنه‌های پر شکوه از مبارزات روبه اعتدالی طبقه کارگران ایران را به نمایش می‌نهد.

رژیم جمهوری اسلامی با کشتار کارگران بهیچا سته شهر صنعتی البرز، با بهرگیها بستن صفوف راهپیمایان، با به شهادهای رساندن بیش از ۱۰ کارگر و به غورکشیدن بیش از ۱۰ نفر با ردیگر خا طره جنا یا چشم منفور پهلوی، خا طره کشتار وحشیانه جهان حیت را در اذهان توده‌ها زنده کرده رژیم با ردیگر نشان داد که در مقابل خلق توده‌ها ایستاده است و جهت حفظ منافعی سرمایه داران دست به هرکشتاری خواهد زد. رژیم با بهرگیها بستن کارگران شهر صنعتی البرز و با به گلوله بستن وحشیانه تظاهرات مردم در تهران (۲۰ خرداد) بخوبی نشان داد که در جهت برقراری رژیم ترور و اختناق از هیچ کوششی فرو گذاری نمی‌کند. اما توده‌ها که بر اثر این کشتارها و سرکوبها روز بروز بیشتر چهره ضد خلقی رژیم را می‌شناختند، با گسترش مبارزات خود درس جانانه‌ای به سرکوبگران خواهد آموخت. درسی که تاریخ - و توده‌ها که سازنده آنند - به تمام می سرکوبگران خلقها آموخته‌اند.

از میان رفقایمان تنها رفیقی که دوران قبل از مرگش لقب کبیر گرفت او بود

بقیه از صفحه ۱۵

که در عرض مدت کوتاهی ضربات می‌بازند. البته ما قطعا "فربه" می‌خوریم و با این اجتناب نا پذیر بود، ولی می‌بایست آگاهانه و با وقوف به تائیرات مثبت ضربه نخوردن حداقل برای مدتی کم بتوانیم با به همتی سازمان را تا حدی مستحکم نماشیم، از سر خوردن اجتناب می‌کنیم و خود را آماده دفاع از دست آورده‌ها می‌نمودیم.
رفیق در زمینه تشکیلات نیز از درایت بی نظیری برخوردار بود بطوری که طی سازماندهی مبارزه اش بیشترین بار سازماندهی را بدوش می‌کشد، او از کمترین امکانات بیشترین استفاده را برای سازمان به ارمغان می‌آورد، هم چنین در زمینه برخورد به ضعف‌ها رفع نقایس سازمان با تکیه بر اصول طلایی تحرک و انتقاد از خود بنزرگترین خدمت‌ها را به سازمان نمود. رفیق عظمت و ارزش والای رفقای - کمونیست خود را بخوبی درک و در باره هم روزمانش میگفت، رفقای ما نمونه کمالی از صداقت انقلابی بودند. رفقای ما به خاطر اعتقاد داشتن بی‌محابا به خطری را تقبل می‌کردند. و معمولاً به تنها چیزی

که بهیچا امیدادند، جان نشان بود و همین بود که مفهوم "فدایی" در مورد آنها نه به عنوان یک شعار بلکه بعنوان یک واقعیت صدق پیدا میکرد، همچنان که امروز نیز چنین است و او خود نمونه بزرگی از آن چه در باره دیگران میگفت بود.
رفیق حمید همچنان که نسبت به همرزمان مدیقت سر با عشق می‌ورزید نسبت به آنانکه ضعف‌های اساسی نشان میدادند با درنیمه راه جنبش خیانت می‌ورزیدند همچنان که به دشمن سخت کینه می‌ورزید با قاطعیت انقلابی با آن برخورد می‌کرد. بیپرده نبود که اپورتونیستهای رنگارنگ از ترس تسکین‌های خجول تا روشنفکران - مرده‌وار با استالین مقایسه میکردند و از وجود شیخ استالینستی بر سازمانی که او آن راهبری می‌کرد دم میزدند. آری او ظهور و افق نظام انقلابی تشکیلات بود و در این رابطه گذشت نمی‌کرد، بگوئیم با ایمان به پیروزی و همان در راهی که از عین رفقای چون اولاد کون است، استوار با ایمان و انقلاب را در پیوند با توده‌ها در نبردی طولانی سرانجام می‌رسانیم.

رفقا! هواداران!

با شما می‌توان خود، در جهت گسترش مبارزات فدا می‌رسانیم - دمکراتیک شعار

«مرگ بر حزب جمهوری اسلامی،
زنده باد شوراهای انقلابی، پیش
بسوی تشکیل مجلس مؤسسان»
را بردار و دیوار شهر بنویسید.

نابودی انقلاب خواست حزب حاکم، ادامه انقلاب، خواست زحمتکشان



خبرهایی از جنبش مقاومت خلق کرد

صفحه ۲۰
نقشه از

سرسو) - جاده بوکان - سقر (روستای سزا) و منطقه مریوان، به حرکت درآمده اند و با تک سازماندهی مشترک، مشکل آزارش سیاد، بیسیج، زاندارمری و هوای نیروز در تدارک جنایات تازه ای علیه خلق قهرمان کرد می باشند. ولی سرکوبگران در اولین حرکات خود با شکست های سنگین و مفتضحاتی که خلق کرد و پیشمرگان قهرمانش بر آنها وارد آوردند، مواجه شدند.

مهاباد

در منطقه اطراف مهاباد در روستاهای دارلک - گوک تپه - ولجکما ندوهای هوا نیروز قعدا شدند با هلیکوپتر در منطقه پیاپی ده شوند و به زم خود، نیروهای پیشمرگه و توده های مسلح آغا فلکیگر گشته اما سرکوبگران خود به کمیسیون پیشمرگان قهرمان افتادند. بدین ترتیب که هلیکوپترها شی که قعدا شدند کما ندوها را پیاپی ده کنند، توسط پیشمرگان به رگیا بسته شده و هر دو هلی کویتر منهدم شدند، و نیروهای کما ندو به هلاکت رسیدند. عده زیادی از نیروهای کمکی کما ندوها نیز توسط پیشمرگان و توده های مسلح کشته و زخمی شدند. در این درگیریها حدود ۹۰ تن از سرکوبگران کشته و تعداد زیادی زخمی شدند، علاوه بر این ۲ هلی کویتر منهدم شد و مقدار زیادی مهمات و اسلحه بدست پیشمرگان افتاد. همچنین در این درگیری ۱۰۰ تن از پیشمرگان و مردم شهید و زخمی شدند. یادشان گرامی باد.

- در دره قاسملو جاده پیاپی نه نیروهای سرکوبگری مقاومت پیشمرگان و مردم مسلح مواجه شدند و بعد از دادن تعداد زیادی تلفات مجبور به عقب نشینی شدند.
- در جاده سقر - بوکان نیروهای سرکوبگری خمپاره روستاها حمله کردند در این درگیری ها یک پیشمرگه شهید شد. و یک هلی کویتر دشمن سرتگون گردید.

سقر

نیروهای سرکوبگر مستقر در تپه آلتون در نزدیک شهر سقر، شبانه مورد حمله پیشمرگان خلق کرد قرار می گیرند. در این عملیات دهها نفر از مزدور و نگهبان و زخمی می شوند، ۹ نفر به اسارت در می آیند و قبضه توب دشمن منهدم و مقرشان به آتش کشیده میشود. در این عملیات متجاوز از چهل قبضه ز-۳ و مقدار زیادی فشنگ و دیگر تجهیزات نظامی بدست پیشمرگان می افتد. دو پیشمرگه قهرمان در این درگیری شهید می شوند یادشان گرامی باد

نقشه در صفحه ۱۷

اعدام جنایتکارانه فدائی خلق سعید سلطانپور

پتک است خون من در دست کارگر (سعید سلطانپور)
داس است خون من در دست بزرگر

هموطنان مبارز! نیروهای انقلابی و متوقی جهان!

فدائی خلق سعید سلطانپور را عرو هنرمند انقلابی، و عضو هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران، که بخاطر مبارزات آشتی ناپذیرش علیه رژیم شاه شهرت جهانی داشت، شامگاه دیروز در زندان اوین بدست دژخیمان رژیم جمهوری اسلامی بخود اعدام سپرده شد و بشهادت رسید.

این جنایت سنگین که بگنا ردیگر چهره کربه و خد خلقی رژیم جمهوری اسلامی را بتمام نیروهای انقلابی ایران و جهان نشان داد، لکنه سنگ دیگری است بر چهره جنایتکاران و عوا مفریبا نی که می کوشند با بهای لیزان حکومت خود را برترور، اعدام و گشتار نیروهای انقلابی قرار دهند.

رفیق سعید سلطانپور عضوا زمان چریکهای فدائی خلق ایران کسبه زندگی خود را در راه توده های زحمتکش و آرمان والای کارگران قرار داده بود، از سالها پیش مبارزه ای بی گبر و خستگی ناپذیر را علیه رژیم شاه آغاز کرد. او تمام نبوغ و خلاقیت هنری خود را در خدمت خلق بکار گرفت. چندین بار بزندان افتاد، و چندین سال از عمر خود را در سیاهالهای ساواک و در زیر شکنجه های مزدوران رژیم شاه گذراند. اما این شکنجه ها و زندانها نمی توانست کمترین خللی در مبارزات او علیه رژیم شاه ایجاد کند، بلکه با لعنتی با هر زندان و شکنجه ای آبدیده تر و استوارتر میماند. مبارزه آمد، تا وظیفه خود را در خدمت توده های زحمتکش انجام دهد. رفیق سعید که مبلغی توانا بود، قما لانه در - افشای جنایات رژیم شاه می کوشید، او پیش از سرتگونی رژیم طی یک سلسله سخنرانی ها در کشورهای مختلف جهان، جنایات رژیم و شکنجه های مزدوران ساواک، را افشا کرد و ما هیت جنایتکارانه رژیم پهلوی را به مردم سراسر جهان معرفی کرد.

رفیق سعید که بی گیرانه از منافع توده های زحمتکش و طبقه کارگر ایران دفاع میکرد، پس از سرتگونی رژیم شاه علیه سیاستهای ضد خلقی و ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی مبارزه برخاست و ما هیت سیاستهای سرکوبگرانه و ارتجاعی آنها را افشا نمود. رژیم جمهوری اسلامی که از مبارزات و شخصیت انقلابی او بهراس افتاده بود، در تاریخ ۲۷ فروردین روزی که قرار بود مرا سم عروسی سعید برگزار شود، او را با زداشت کرد و از آنجا که از انعکاس خبر با زداشت او در میان مردم وحشت داشت حتی از اعلام خبر با زداشت او خودداری کرد. سازمانها و شخصیتهای انقلابی و متوقی جهان علیه با زداشت سعید مبارزه برخاسته، و بی گیرانه خواستار آزادی او شدند. اما سزان و همبران کودن جمهوری اسلامی که یک ذره نیز از تجربه سرتگونی رژیم شاه درس نیا موخته اند، و همانند رژیم شاه تصور می کنند که با ترور و گشتار انقلابیون میتوان اند جلومبارزات توده های مردم را سد کنند، در شامگاه روز گذشته سعید را بدون محاکمه و تنها با تهمام مبارزانش علیه رژیم شاه به جوخه اعدام سپردند، و با ردیگر خار طره تو نور رقبا بیزن جزئی و همزمان او را در زندان اوین بدست رژیم جنایتکار شاه زندان کردند. اما چه خیال باطلی! هر انقلابی که برخاک می افتد، دهها انقلابی بیبا میخیزند، و هر فدائی که برخاک و خون در می غلطد، جای او را دهها فدائی خواهد گرفت.

هموطنان مبارز! نیروهای انقلابی جهان!

اعدام جنایتکارانه فدائی خلق سعید سلطانپور به همراه ۲۳ تن از فدائیان خلق و مجاهدین خلق و نیروهای انقلابی دیگر، ما هیت ارتجاعی و ضد بشری رژیم جمهوری اسلامی را هر چه بیشتر عریان میکند. به هر وسیله ممکن، علیه این سیاستهای جنایتکارانه رژیم به خیزید و در افشای آن بکوشید.

ننگ و نفرت بر جنایتکاران رژیم جمهوری اسلامی

زندانی سیاسی آزاد باید گردد، ترور، شکنجه، زندان نابود باید گردد



یادشدهای تیرماه گرامی باد



لایق مهربانی / فاطمه حسینی / یوسف قانع خشکیجاری / محمد رضایشیری



عسکرحسینی ابرده / علی اکبروزیری / محمد حسین حقنواز / طاہرہ خرم

رهائی کارگران برقلم پیروزی، امتداد می‌یابد.
در سحرگاه خونین هشتم تیرماه ۱۳۵۸ فداشی کبیر و رهبر ما زمان، رفیق، حمید اشرف و ده فداشی دیگر، رفقا

- ★ غلامعلی خراطپور
- ★ محمد حسین حقنواز
- ★ یوسف قانع خشکیجاری
- ★ محمد رضایشیری
- ★ غلامرضا لایق مهربانی
- ★ علی اکبروزیری بقیه در صفحه ۴

همان شب ۱۳۴۹ سواغ از جنبش نوین کمونیستی ایران و آغا زهرکت سا زمان ما بود. فداشیا ن خلق طی طایفه سال مبارزه سخت و پیرامان و به گریز با دشمنان و خلق و طبقه کارگر، مهربلان بر تا ریخه ننگین خیانت های ما زشکاران و اپورتونیست های خانه نشین کوبیدند - آنها با قهرمانی های خود در کوه و خیا بان و در رویا روشی با مزدوران رژیم، در زندان ها، شکنجه گاهها، در میدا نهای خیرحما سه ها آفریدند و عشق و ایمان خود را به زحمتگشان و به رهاشی کارگران، همچون خون تا زه در رگ های جنبش کمونیستی ایران جاری کردند.

با دشهدای تیرماه را گرامی می‌دانیم و پیمان خود را با آنها تجدید و تحکیم می‌کنیم، خط سرخی که با خون فداشیا ن شهید رنگ گرفته تا استقرار پرچم سرخ -

خبرهایی از جنبش مقاومت خلق کرد

نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی دست به سیاستهای تازه‌ای جهت سرکوب خلق کرد زده‌اند اما در اولین حرکات خود با ضربه‌های سنگینی از جانب پیشمرگان و خلق قهرمان کرد روبرو شدند

اخیرا "نیروهای سرکوبگر به یک بورژوازی وسیع و تقریبا "سرتا سری علیه جنبش مقاومت خلق کرد، جهت استقرار مجدد ارتش در زمان طق از آذ شده از جانب خلق کرد، مبادرت ورزیده‌اند. طبق آخرین اخبار روگزارشات از دوا زده‌هم خردا د، ستونهای ارتشی و سایر نیروهای سرکوبگر در مناطقی دره‌ها سملو شده‌اند با نه جا ده رومیه مها باد (روستا های دارلکو کوی تنه ولج) جا ده سفز مریوان (منطقه بقیه در صفحه ۱۹

گرامی باد خاطره مجاهد شهید «رضارضائی»

در نیمه شب ۲۵ خرداد ۱۳۵۲ طی یک دزدگیری مسلحانه که بین رضا رضائی، یکی از اعضای کار مرکزی سازمان مجاهدین خلق ایران و مزدوران ساواک بوقوع پیوست این مجاهد لیریشا دت رسید. حماسه رضائی ها با رضائی و فرار او از زندان و شکنجه گاه او بین آغا زکشته با شهادت قهرمانانه احمد رضائی اولین شهید سازمان مجاهدین خلق که با نا رنجک فامن کشیده به میان مزدوران ساواک رفت، او و او عتلا تا زه ای گرفت و با مقاومت پولادین شهید رضائی این شهید ۱۹ ساله تکمیل شد.

رضا رضائی ز سال ۴۹ تا هنگام شهادتش نقش ارزنده‌ای در پیشبرد مبارزات سازمان مجاهدین و جنبش خلق ایفا کرده و در آخرین نبرد نیز به مقاومتی دلیرانه دست زد و تا آخرین گلوله سلاحش از انقلاب بقیه در صفحه ۱۲

گرامی باد خاطره رفیق شهید دکتر اسماعیل نویمیسا

در زمان رژیم منفرود پهلوی و چه در دوران حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی علاوه بر خدمت پزشکی در شهرهای خوزستان از جمله سوسنگرد و اهواز، همواره در آگاه ما ختن توده‌ها به واقعبیات موجود نقش برجسته ای داشت و وحشت رژیم نیز از همین مسئله بود. او پس از دستگیری در یک دادگاه فرمایشی ما که به وجه عدا سپرده شد اما فرزندان انقلابی خلق در قلمسب توده‌ها همواره زنده اند و آما نشان ز توده‌ها از حمتگشان ایران و با لاین غلبت قهرمان خوزستان پی میگیرند.

ششم تیرماه مصاف با سا لگردشادت فداشی شهید رفیق نویمیسا می‌باشد پزشکی که تنها بجرم خدمت به خلق و با خاطر آرمانهای انقلابی، به حو خه اعسدام دزخیسان رژیم جمهوری اسلامی سپرده شد. جرما و مدا و ایز خمیا نی بود که در چادنه داننگاه در سال گذشته بدست سرکوبگران رژیم مورد ضرب و جرح قرار گرفته بودند. او که فرزندی کارگر زحمتکش شرکت نفت بود بخوبی در با فته بود که خدمت پزشکی در واقع جزئی از وظایف انقلابی یک پزشک است و از همین رو چو نه

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر